





بازنویسی منتهی الآمال - باب چهاردهم  
دفتر دوم

ویژگراها رلام موعور عَلَيْهِ السَّلَام

بازنویسی:

عبدالحسین طالعی



انتشارات نبا

سرشناسه: طالعی، عبدالحسین، ۱۳۲۰ -  
عنوان و نام پدیدآور: ویژگی های امام موعود عجل الله فرجه / عبدالحسین طالعی  
مشخصات نشر: تهران: موسسه فرهنگی نیا، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ص.

شابک: - - - - - ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۰۶۱-۰۰۰۰

بها: ۳۰۰۰۰ ریال.

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.

یادداشت: کتاب حاضر بازنویسی منتهی الامال نوشته عباس قمی، باب چهاردهم، دفتر دوم است.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: محمد بن حسن عجل الله فرجه، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - - رویت.

موضوع: محمد بن حسن عجل الله فرجه، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - - کرامتها.

موضوع: قمی، عباس، ۱۳۱۹ - ۱۲۵۴. منتهی الامال - اقتباسها.

شناسه افزوده: قمی، عباس، ۱۳۱۹ - ۱۲۵۴. منتهی الامال. برگزیده

رده‌بندی کنگره: ۲۱۳۹۵ ب ۲ ط / ۴ ۲۲۴ BP

رده‌بندی دیوبی: ۲۱۲

شماره کتابشناسی: ۳۹۵۳۴۸۳



انتشارات نیا

ویژگی های امام موعود عجل الله فرجه

بازنویسی: عبدالحسین طالعی

چاپ و صحافی: دالاهو و صالحانی

چاپ دوم: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / قیمت: ۰۰۰، ریال

ناشر: انتشارات نیا، تهران، خیابان شریعتی، روبروی ملک، خیابان

شبستری، خیابان ادیبی، شماره ۲۶، تلفن: ۷۷۵۰۴۶۸۳ (۰۲۱) دورنگاز:

۷۷۵۰۶۶۰۲ (۰۲۱) صندوق پستی: ۳۷۷ / ۱۵۶۵۵

نشانی سایت انتشارات نیا <http://nabacultural.org>

شابک: - - - ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-

### بسم الله الرحمن الرحيم

انسان در دنیا همچون مسافری است کہ دقایقی در این مسیر طولانی، بہ استراحت می پردازد. این مسافر، راه درازی پیموده تا بہ اینجا آمدہ، و ہنوز مسافت درازی در پیش دارد. مسافر عاقل، در این سفر طولانی نیاز بہ راهنما را، بیش از نیاز بہ آب و غذا و هوا احساس می کند. دریغ! کہ گاہ برخی از مسافران، آن چنان بہ جاذبہ ہای این محل موقت استراحت دل می بندند کہ اصل سفر و نیازہای آن را فراموش می کنند. اما مسافران خردورز و اندیشمند، نہ بہ این لحظات کوتاہ، بل بہ اصل سفر و زاد و توشہ راہ و رہنمودہای راهنمایان می اندیشند.

خدای حکیم توانا، پیش از آنکہ اصل سفر را بہ عنوان برنامه بہ انسان بدهد، بہ تأمین نیازہای او در سفر اقدام کردہ و مهمترین نیاز او یعنی راهنمای آگاہ دلسوز امین را برای او برآورده است. این راهنمایان، پیامبران و امامان علیہم السلام هستند، کہ انسان را در کورہ راہ ہا و گردنہ ہای سخت، در مقابلہ با انواع مشکلات احتمالی کہ پیش رو دارد، ہدایت می کنند. شناخت این راهنمایان و ویژگی ہای آنہا، وظیفہ ای است کہ انسان بہ حکم عقل، بر عہدہ دارد.



برخی از عالمان دین، برای رفع این نیاز، کتاب‌هایی در این زمینه نگاشته‌اند. محدث بزرگوار شیعی، مرحوم شیخ عباس قمی، در زمره این عالمان دین است. آن دانشور بزرگ - به برکت اخلاص خود در عمل - با کتاب جاودانه «مفاتیح الجنان» در میان خاص و عام شهرت یافته است. اما همین شهرت بحق، دیگر جنبه‌های علمی و تحقیقی او را از یاد برخی افراد متوسط برده است. وی، سالهای فراوان، همراه با بزرگانی دیگر مانند شیخ آقا بزرگ تهرانی و میرزا محمد قمی و شیخ علی اکبر نهاوندی، در محضر استاد بی‌مانند علم الحدیث در قرون اخیر، یعنی خاتم‌المحدثین میرزا محمد حسین نوری طبرسی علاوه بر درس ایمان و اخلاص، علوم رجال و درایه و کتابشناسی و تاریخ آموخت. و آثاری گرانقدر در تمام این موضوع‌ها برای آیندگان باقی گذاشت.

کتاب «منتهی الآمال»، از آثار محدث قمی در شناخت چهره نورانی چهارده معصوم علیهم‌السلام است، که در طول بیش از هفتاد سال، در شکل دادن اندیشه دینی دستداران معصومان پاک نهاد، نقش ویژه‌ای داشته است. در این یادگار ماندگار، محدث قمی، عناصری همچون: دقت، استناد، بیطرفی، ژرف‌نگری، جامعیت، اختصار، ابتکار، مخاطب‌شناسی و... را به گونه‌ای زیبا و شگفت در فضای روح‌بخش ولایت و محبت‌خاندان نور در هم تنیده است.

این است که - با وجود دهها کتاب در زمینه شناخت معصومان - هنوز «منتهی الآمال» در جایگاهی رفیع نشسته است.

به دلیل این ارج ویژه، بر آن شدیم تا دفتری در معرفت‌خاندان نور، بر اساس کتاب **منتهی الآمال**، تهیه و تدوین کنیم و به پیشگاه اهل معرفت،



تحفه آوریم.

در این مجموعه علمی، کارهای زیرانجام شده است:

۱- منابع احادیث و مطالب کتاب، استخراج شد، و در آخر هر دفتر درج گردید (با اشاره به موارد آن به صورت [۱] و...).

۲- شخصیت‌ها، اعلام تاریخی و جغرافیایی، کتاب‌ها و دیگر موارد یاد شده در متن که نیاز به توضیح داشت، در حدّ مختصر و مفید، شناسانده شد، و در پاورقی صفحات درج گردید.

۳- متن بعضی از احادیث، برای بهره‌وری بیشتر اهل تحقیق، افزوده شد.

۴- نشر کتاب، به زبان روز بازنویسی شد، تا شعاع استفاده از آن، گسترده‌تر شود.

۵- هر دفتر به یک - و گاه دو - عنوان اختصاص یافت.  
نکته آخر اینکه:

تحقیق و استوارسازی متن باب چهاردهم کتاب - که مربوط به امام عصر - عجل الله تعالی فرجه - است - همراه با استخراج منابع آن، حدود بیست سال پیش به دست برخی از دانشوران پژوهشگرانجام شد.

در آن زمان، هنوز چاپ حروفی و تحقیق شده و قابل اعتماد از متن کتاب منتهی الآمال عرضه نشده بود.

در طول این سال‌ها، منتهی الآمال بارها به صورت چاپ حروفی منتشر شد، که بهترین آنها، چاپ تحقیقی انتشارات «دلیل ما» - به اهتمام آقای ناصر باقری بیدهندی - در سه مجلد است (سال ۱۳۷۹).

وقتی که کار سالیان پیش در اختیار این مؤسسه قرار گرفت، از سویی با توجه به وجود چاپ تحقیقی یاد شده، و از سوی دیگر برای بهره‌گیری از تلاش پیشین، همچنین برای آشنا ساختن نسل‌های جدید با حقایق ارزشمند این کتاب، تصمیم به بازنویسی کتاب و تقسیم آن به دفاتری کم‌برگ و پربار گرفتیم.

اکنون، شش دفتر در شناخت امام عصر - عجل الله تعالی فرجه - تقدیم می‌شود. به امید آنکه در فرصت‌های آینده، دفاتر دیگر از این سلسله نور عرضه گردد، و این تلاش ناچیز در آستان مقدس اهل بیت عصمت - صلوات الله علیهم اجمعین - مقبول افتد.





## سراغاز

پیشوایان معصوم ما، همگی نور واحدند. و همه در برخی ویژگی‌ها اشتراک دارند: حجت خدا، هادی و راهنما، کشتی نجات امت در طوفان فتنه‌ها، پناهگاه مردمان، بیانگر قرآن، وارث بحق پیامبران، برگزیده خدای رحمان، مشعلی در راه عبادت و تقرب انسان، و دیگر ویژگی‌هایی که امام علی النقی (عجل الله تعالی فرجه) به شیواترین بیان و ژرف‌ترین سخنان، در زیارت جامعۀ کبیره شناسانده‌اند.

علاوه بر این ویژگی‌های مشترک، برخی از حجت‌های به حق الهی (عجل الله تعالی فرجه) ویژگی‌هایی اختصاصی دارند، که در روایات معتبر بیان شده است. و هر کدام از آنها، بابت هدایت و عنوانی در معرفت است.

بعضی از دانشوران بزرگ امامیه، در آثار خود به این مهم پرداخته‌اند. کتاب مشهور «خصائص الحسین (عجل الله تعالی فرجه)» - مشهورترین اثر عالم ربّانی مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری - نمونه‌ای از این کتاب‌ها است.

درباره ویژگی‌های خاص امام عصر ارواحنا فداه نیز، جمعی از بزرگان امامیه سخن گفته‌اند؛ گاه در خلال آثار خود مانند مرحوم شیخ علی یزدی حائری در جلد اول کتاب «الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب»، و گاه به عنوان رساله‌های مستقل، مانند مرحوم شیخ محمد باقر فقیه ایمانی در کتاب



«الخصائص المهدية»، این دو کتاب، به زبان عربی نگاشته شده است.

بخش اول این دفتر، بر مبنای بحث کتاب «الزام الناصب» و شرح و تبیین آن - توضیحات مختصر دربارهٔ چهل و شش مورد از خصائص امام عصر ارواحنا فداه در بردارد، که در کمتر کتاب فارسی مهدوی بدان اشاره شده است.

از این رو، این بخش، در میان آثار فارسی رایج پیرامون حضرتش، امتیازی خاص دارد.

بخش دوم این دفتر، در پی آن است که ثابت کند حضرت مهدی ارواحنا فداه، امروز در روی زمین زندگی می‌کنند و در پس پردهٔ غیبت به شئون امامت می‌پردازند. و جمعی از نیکان و پاکان راست گفتار - چه در زمان حیات پدر بزرگوارش و چه در زمان غیبت صغری - حضرتش را دیده‌اند و گزارش کرده‌اند.

محدث قمی در این بخش، به مهمترین منابع شیعه و سنی استناد کرده، و با کمال دقت و امانت، به شیوهٔ علمی، بحث خود را پی گرفته است.

این بخش، از سویی پاسخی است به آن گروه از گویندگان اهل تسنن، که می‌گویند: مهدی موعود هنوز به دنیا نیامده و در آخر الزمان متولد می‌شود. و از سوی دیگر، تذکری به شیعیان غافل و فراموشکار در بردارد که چرا از امان زمان خود غفلت می‌ورزند و حضرتش را به فراموشی سپرده‌اند؟ برگ برگ - بلکه حرف حرف - این دفتر، با مردمی که در زمان غیبت حضرتش زندگی می‌کنند و به این هجران خو گرفته‌اند، سخن‌ها دارد، اگر ژرف بخوانیم و بر جان بنشانیم. و توفیق از خداست.



## بخش اول

### ویژگی‌های امام عصر علیه السلام

بعضی از خصائص حضرت صاحب الزمان علیه السلام چنین است:

اول - نور ظَلّ و شبح آن حضرت، در عالم اظلمه<sup>(۱)</sup> بین انوار ائمه علیهم السلام امتیاز داشت، چنانکه در اخبار معراجیه<sup>(۲)</sup> و غیره است که: نور آن جناب در میان انوار ائمه علیهم السلام مانند ستاره تابانی در میان دیگر کواکب می‌درخشید. [۱]

دوم - شرافت نسبت. آن جناب، شرافت نسب همه پدران بزرگوار خود علیهم السلام را دارا است، که شریف‌ترین نسب را دارند. نسبش از طرف مادر، از سوی، به قیصرهای روم، و از سوی دیگر به جناب «شمعون الصفا» وصی حضرت عیسی علیه السلام می‌رسد<sup>(۳)</sup> که نسبش به بسیاری از انبیاء و

---

۱. عالم اظلمه و اشباح، عالم مجردات است که قبل از آفرینش این جهان بوده است. و خداوند، انوار همه مخلوقات، به ویژه انوار مقدسه چهارده معصوم علیهم السلام را قبل از خلقت دیگر مراتب خلق، آفرید و در میان آن انوار، نور مقدس حضرت خاتم الاوصیاء امام زمان علیه السلام از بقیه مشخص و ممتاز بود.

۲. یعنی اخباری که رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، از مشاهدات سفر معراج و یا گفتگوی با ملائکه و الهامات الهی در آن سفر، نقل فرموده‌اند.

۳. پدر حضرت نرجس مادر امام عصر علیه السلام یسوعا فرزند قیصر روم است و مادر حضرت نرجس، از نسل شمعون بن حمون الصفا می‌باشد که از اوصیای حضرت عیسی علیه السلام و از پیامبران الهی



اوصیاء عَلَيْهِمُ السَّلَامُ منتهی می شود.

سوم - دو ملک، آن جناب را در روز ولادت به سراپرده عرش بردند و حق تعالی به او خطاب فرمود:

مرحبا به توای بنده من، برای نصرت دین من و اظهار امر من و مهدی بندگان من. قسم خوردم که من، تنها به سبب تو بگیرم، و تنها به خاطر تو بدهم. و به جهت تو بیامرمزم... [۲]

چهارم - بیت الحمد: روایت است: برای صاحب این امر عَلَيْهِ السَّلَامُ خانه ای است که آن را «بیت الحمد» گویند. و در آن چراغی است که روشن است، از آن روز که متولد شده، تا آن روز که با شمشیر خروج کند، و خاموش نمی شود. [۳]

پنجم - جمع میان کنیه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اسم مبارک آن حضرت <sup>(۱)</sup>. در مناقب <sup>(۲)</sup> مروی است که فرمود:

«اسم مرا بگذارید (ولی همراه با آن) کنیه مرا نگذارید». [۴]

ششم - نام بردن آن جناب حرام است، چنانکه در (دفتر اول) گذشت.

هفتم - وصایت و حجّت در روی زمین به آن حضرت ختم می شود <sup>(۳)</sup>.

بوده است.

۱. یعنی اگر نام فردی محمد است، نایبستی بر او کنیه ابوالقاسم نهاد، تا امتیازی بین رسول خدا و آن شخص وجود داشته باشد. به این ترتیب تنها کسی که با حضرت خاتم الانبیاء در نام و کنیه مشترک است، حضرت خاتم الاوصیاء امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ می باشند.

۲. تألیف ابو عبدالله محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی، متوفی ۵۸۸ از علماء و ادباء و محدثین بزرگ شیعه، از متخصصین در علم رجال به شمار می آید. کتب «مناقب آل ابی طالب، الاسباب والنزول علی مذهب آل الرسول، منهاج، مثالب النواصب و المخزون المکنون فی عیون الفنون» از تألیفات گرانبهای اوست.

۳. لقب «خاتم الاوصیاء» ناظر به همین ویژگی است.



هشتم - از روز ولادت، غیبت او آغاز شد و حضرتش به «روح القدس» سپرده شد. و در عالم نور و فضای قدس - که هیچ جزئی از اجزاء آن حضرت، به پلیدی و آلودگی و معاصی بنی آدم و شیاطین آلوده نشده - تربیت شد<sup>(۱)</sup> و با عرش نشینان و ارواح قدسی مجالست دارند. [۵]

نهم - معاشرت و مصاحبت با کفار و منافقین و فسّاق ندارند، به جهت ناامنی از آنها و تقیّه نسبت به آنها.

از روز ولادت تاکنون، دست ظالمی به دامانش نرسیده است. با کافرو منافقی مُصاحبت ننموده‌اند، و از منازلشان کناره گرفته‌اند. [۶]

دهم - بیعت هیچ یک از جبّاران در گردن آن حضرت نیست. طبری در «اعلام الوری»<sup>(۲)</sup> از حضرت امام حسین علیه السلام روایت کرده که فرمود:

«هیچ یک از ما (ائمه) نیست، مگر آنکه بیعتی برای طایفه زمان او به گردنش می‌افتد، مگر قائمی که روح الله، عیسی بن مریم علیه السلام پشت سر او نماز می‌گزارد». [۷]

یازدهم - در پشت کتف، علامتی مانند علامت مبارک حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله دارد، که آن را «ختم نبوت» گویند. و شاید در آن جناب، اشاره به ختم وصایت باشد.

---

۱. یعنی وجود مقدس آن حضرت، از هرگونه گناه کبیره و صغیره و باطنی و ظاهری، معصیت فکری و قلبی و خارجی، منزه و پاک است و در سرپرده عصمت الهی به سر می‌برند.

۲. امین الدین ابوعلی فضل بن حسن طبری از علماء و مفسرین نامی شیعه، متوفی به سال ۵۴۸، و از دانشمندان مشهور قرن ششم هجری است. وی تألیفات بسیاری دارد از جمله: اعلام الوری، تفسیر مجمع البیان و تفسیر جوامع الجامع، تفسیر مجمع البیان، از مهمترین تفاسیر تاریخ اسلام محسوب شده و مورد استناد فریقین است. این تفسیر، بیانگر مقام شامخ علمی و تبحر و تعمق او در قرآن و روایات و ادبیات عرب و علوم دیگر می‌باشد.



دوازدهم - حق تعالی، آن جناب را در کتب آسمانی و اخبار معراجی، از سایر اوصیاء علیهم السلام اختصاص و امتیاز داده، به اینکه آن حضرت را، به لقب، بلکه به القاب متعدده نام برده است. [۸]

سیزدهم - آیات شگفت و علامات آسمانی و زمینی برای ظهور آن حضرت ظاهر می شود، که بر تولد و ظهور هیچ حجتی نشده است. در قرآن می فرماید:

﴿سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾<sup>(۱)</sup>.

به زودی، آیات خود را در آفاق و در وجودشان به آنها نشان دهیم تا برای ایشان روشن شود که آن حق است.

در کافی، روایت کرده که امام صادق علیه السلام فرموده اند: «آیات»، در این آیه، به معنای آیات و علامات قبل از ظهور آن حضرت است. «حق» به معنای خروج قائم علیه السلام است. خروج حضرتش، حق است از سوی خداوند عزوجل، که مردم آن را می بینند و ناگزیر روی می دهد». [۹]

آیات و علامات، بسیار است که بعضی از دانشمندان، حدود چهارصد حدیث از احادیث علائم ظهور را گردآوری کرده اند. [۱۰]

چهاردهم - منادی آسمانی مقارن ظهور به اسم آن جناب، ندا می کند، چنانچه در روایات بسیار وارد شده است. علی بن ابراهیم<sup>(۲)</sup> در تفسیر آیه

۱. سوره فصلت، آیه ۵۳.

۲. ابوالحسن علی بن ابراهیم قمی، از بزرگان علماء و محدثین شیعه است که علمای رجال، وی را در نقل حدیث، موثق و مورد اطمینان به حساب می آورند. کتاب تفسیر او، از قدیمی ترین و مستندترین تفاسیر روایی شیعه است. وی از علماء و محدثین نامی چون پدرش ابراهیم بن هاشم



شریفه: ﴿وَأَسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادُ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ﴾<sup>(۱)</sup> از حضرت امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: منادی به اسم قائم و پدرش علیه السلام ندا می‌کند. [۱۱]

در غیبت نعمانی مروی است که امام باقر علیه السلام ضمن خبری فرمود: منادی از آسمان به اسم قائم علیه السلام ندا می‌کند. کسی که در مشرق است و کسی که در مغرب است می‌شنود. هیچ خوابیده‌ای نیست مگر آنکه بیدار می‌شود. هیچ ایستاده‌ای نیست مگر آنکه می‌نشیند. هیچ نشسته‌ای نمی‌ماند، مگر آنکه از آن صدا برمی‌خیزد. [۱۲] و فرمود که: آن صدا از جبرئیل است، در ماه رمضان، در شب جمعه بیست و سوم.

و براین مضمون، اخبار بسیار، بلکه متجاوز از حدّ تواتر<sup>(۲)</sup> است و در بعضی از این اخبار، آن را از محتومات شمرده‌اند. [۱۳]

پانزدهم - افلاک از سرعت سیر می‌افتند، و به آرامی و آهستگی حرکت می‌کنند. شیخ مفید<sup>(۳)</sup> از ابی بصیر روایت کرده که حضرت باقر علیه السلام در

و احمد بن محمد برقی اخذ حدیث نموده است. و جماعت از دانشمندان بزرگ ما نیز، از جمله شاگردان او هستند، مانند علی بن بابویه قمی، جعفر بن محمد قولویه، محمد بن حسن صفار، و محمد بن یعقوب کلینی.

۱. گوش فرا دار روزی را که منادی از مکانی نزدیک ندا دهد. (قرآن کریم، ق / ۶۱).
۲. تواتر، یعنی اینکه یک حدیث، از طریق راویان متعدد در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون، نقل شود، تا بدانجا که احتمال تبانی بر جعل و کذب در آن نرود.
۳. محمد بن محمد بن نعمان تلعبکری، معروف به شیخ مفید پیشوای علما و متکلمین و فخر جامعه شیعه در قرن چهارم است که در دولت آل بویه و دوره سلطنت عضد الدوله دیلمی می‌زیست. وی در عصر خود دانشمندی بلند آوازه و فقیهی ماهر و متکلمی توانا، و مخصوصاً در علم مناظره سخنوری ورزیده بود. چنانکه مناظرات وی با متکلمان بزرگ غیر شیعی مانند



\*\*\*\*\*

ضمن حدیثی طولانی در مورد سیرو سلوک حضرت قائم علیه السلام می فرماید:  
«هفت سال بر این سلطنت می گذرد که هر سالی به مقدار ده سال از سال های شما است. آنگاه خداوند آنچه را که می خواهد، احیا می کند.»

گفتم: فدایت شوم، آن سال ها چگونه طول می کشد؟ فرمود:

«خداوند به فلک، امر به درنگ کردن و حرکت اندک می کند. از این رو، روزها و سال ها طول می کشد.»

گفتم: ایشان (منجمین و حکما) می گویند: اگر فلک تغییر پیدا کرد، (دنیا) تباه می گردد. فرمود:

«این، قول زنادقه است. اما مسلمانان، نباید به این سخن معتقد شوند، در حالی که (می دانند) خداوند، ماه را برای پیامبر خود صلی الله علیه و آله دو پاره کرد<sup>(۱)</sup> و آفتاب را برای «یوشع بن نون» برگردانید. و از طول روز قیامت خبر داد<sup>(۲)</sup> که مثل هزار سال است از آنچه شما می شمردید. [۱۴]

«قاضی ابوبکر باقلانی و قاضی عبدالجبار معزلی و ابوحامد اسفراینی» و... در کتب مربوطه، مشهور و میان عامه معروف است. مفید، قریب به ۲۰۰ جلد کتاب در تمام علوم و فنون زمان خود نوشته است. «امالی، ارشاد، الجمل، مقنعه، اوائل المقالات، الاختصاص، تصحیح الاعتقاد، النکت الاعتقادیه» از جمله تألیفات اوست. در مقامات معنوی و مراتب معرفت او همین بس، که بنا بر مشهور محدثین شیعه، امام زمان علیه السلام دو توفیق، به افتخار او صادر فرموده اند که حاوی مضامین عالی است، و تقرب جناب شیخ مفید در نزد آن حضرت را نشان می دهد.

۱. اشاره است به واقعه شق القمر، به عنوان یکی از معجزات رسول خدا صلی الله علیه و آله، در مقابل کفاری که برای ایمان آوردن، دو نیم شدن ماه را به عنوان معجزه آن حضرت متقاضی بودند، آن حضرت با بهره گیری از قدرت موهوبی حق متعال، ماه را با اشاره ای، دو نیم فرمودند.

۲. اشاره است به آیه ﴿وَإِنْ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ﴾. (حج / ۴۷).





**شانزدهم** - ظهور مُصحف امیرالمؤمنین (ع) که بعد از وفات رسول خدا (ص) به ترتیب نزول جمع نمود، بی تغییر و تبدیل، و تمام آنچه را که به گونهٔ اعجاز، بر آن حضرت نازل شده بود، دارا است. این همان مصحف است که حضرتش پس از جمع و تدوین به صحابه عرضه کرد، ولی آن را نپذیرفتند. لذا آن را مخفی نمود، و به حال خود باقی است تا آنکه بر دست آن جناب ظاهر شود. و خلق مأمور شوند که آن را بخوانند و حفظ کنند و به جهت اختلاف ترتیب، که با این مُصحف موجود دارد که به آن مأنوس شده‌اند، حفظ آنف از تکالیف مشکلهٔ مکلفین خواهد بود. [۱۵]

**هفدهم** - ابری سفید پیوسته بر سر آن حضرت سایه می‌اندزاد. و منادی در آن بر ندا می‌کند، به نحوی که جنّ و انس در شرق و غرب جهان می‌شنوند: «اواست مهدی آل محمد، زمین را از عدل پر می‌کند، چنانکه از جور پر شده باشد». [۱۶] (این ندا غیر از آن ندا است که در عنوان چهاردهم گذشت).

**هجدهم** - ملائکه و جن، در لشکر آن حضرت هستند، به طوریکه تمام یاران حضرتش، آنها را می‌بینند. [۱۷]

**نوزدهم** - طول روزگار، و گردش روز و شب و مرور زمان، در بنیه و مزاج و اعضاء و نیروها و صورت و هیئت آن حضرت تصرّف نمی‌کند. از این رو، حضرتش به این طور عمر رسیده، که تاکنون بیش از هزار سال از عمر شریفش گذشته، و خدا می‌داند که تا روز ظهور و پس از آن، به چه سستی می‌رسد. با این همه، چون ظاهر شود، در صورت مرد چهل ساله باشد، نه مانند دیگر افرادی که عمر طولانی داشتند، که یکی هدف تیر پیری «هذا بَعْلِي شَيْخًا» باشد، و دیگری با نوای «إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ



شَیْباً» از ضعف پیری خویش بنالد<sup>(۱)</sup>.

شیخ صدوق روایت کرده که ابوالصلت هروی<sup>(۲)</sup> گفت: از امام رضا علیه السلام پرسیدم:

علامت قائم شما، در هنگام ظهور چیست؟ فرمود:

«علامتش آن است که در سنّ پیری باشد و به صورت جوان، تا آنکه که هر کس به آن حضرت بنگرد، گمان برد که در سن چهل سالگی یا کمتر از چهل سالگی است.» [۱۸]

بیستم - وحشت و نفرت از میان حیوانات می‌رود. آنها با انسان انس می‌گیرند. و دشمنی از میان همه آنها رخت بر می‌بندد، چنانکه (در ابتدای آفرینش زمین) پیش از کشته شدن هابیل چنین بود. [۱۹]

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود:

«اگر قائم ما خروج کند، میان درندگان و چهارپایان صلح شود،

۱. یعنی امام زمان علیه السلام در عین داشتن عمری بسیار طولانی، از نظر شکل و قیافه و قدرت جسمی همچون حضرت ابراهیم علیه السلام نیست که همسرش ساره درباره او گفت: این شوهرم پیرمرد است (هود/ ۷۲) و مانند حضرت زکریا نیست که عرضه داشت: پروردگارا همانا استخوان‌های من هست و ضعیف شده و موهای سرم سفید گشته است. (مریم/ ۴) بلکه از ظاهری جوان و قوی برخوردار است.

مرحوم آیت الله شیخ محمد باقر بیرجندی، از بزرگان محدثین و فقهای قرن چهاردهم (متوفی ۱۳۵۲ قمری) در ضمن مثنوی خود پیرامون امام عصر ارواحنا فداه می‌فرماید:

یار من باشد جوان و دهر، پیر  
 کبریت احمر، ص ۵۰۰- ۵۰۲).

ایشان در این بیت، به لقب «صاحب الزمان» آن حضرت نظر دارند که بر اهل دقت پوشیده نیست.

۲. اباعبدالله عبدالسلام بن صالح معروف به ابوالصلت خراسانی هروی از اصحاب حضرت امام رضا علیه السلام است.



تا آنجا که زن میان عراق و شام راه می‌پیماید<sup>(۱)</sup>، پای خود را نمی‌گذارد مگر بر گیاه، در حالی که زینت‌های خود را بر سر دارد. هیچ درنده‌ای او را نمی‌ترساند، و به هیجان نمی‌آورد». [۲۰]

**بیست و یکم - جمعی از مردگان در رکاب آن حضرت هستند. شیخ مفید نقل می‌کند که امام صادق (ع) فرمود:**

«بیست و هفت نفر از قوم موسی، هفت نفر اصحاب کهف، یوشع بن نون، سلمان، ابوذر، ابوجانة انصاری، مقداد و مالک اشتر از انصار آن جناب خواهند بود»<sup>(۲)</sup>. و در شهرها، حاکم

۱. اباعبدالله عبدالسلام بن صالح معروف به ابوالصلت خراسانی هروی از اصحاب حضرت امام رضا (ع) است.

۲. مسافت و فاصله میان این دو منطقه، راهی بسیار طولانی و مسیری خشک و سخت است.

الف - ابوعبدالله سلمان فارسی، از اصحاب والا مقام پیامبر اکرم (ص)، و از یاران باوفای حضرت امیرالمؤمنین (ع) است. وی از اوصیای حضرت عیسی (ع) بود و در سراسر عمر شریفش، هیچگاه سر به سجده خورشید و بتها فرود نیاورد. پیامبر بارها درباره او فرمود: «سلمان منا اهل البیت»، و از این رو به سلمان محمدی معروف گشت. چون دارفانی را وداع کرد، حضرت علی (ع) از مدینه به مدائن تشریف بردند و او را غسل دادند و در همان محل به خاک سپردند.

ب - جناب بن جناده معروف به ابوذر غفاری، از نیکان اصحاب پیامبر (ص)، و از اولیاء حضرت علی (ع) محسوب می‌شود. در زمان جاهلیت، خداپرست بود و بت‌ها را نمی‌پرستید. چهارمین یا پنجمین کسی بود که اسلام آورد، و نخستین کسی بود که پیامبر را به رسم اسلام، سلام گفت. در پارسایی و زهد و بندگی خدای متعال، به مقامی رسیده بود که پیامبر اکرم او را شبیه‌ترین فرد به حضرت عیسی (ع) معرفی نمودند. پیامبر اکرم بارها درباره‌اش فرمودند: «آسمان کبود سایه نیفتکنده و زمین پرغبار در بر نگرفته است راستگوتر و باوفاتر از ابوذر را». ابوذر، در زمان عثمان، به دنبال اعتراضات پی در پی نسبت به مظالم او، به ریذه تبعید شد و در همانجا در غربت و بی‌کسی وفات نمود.

ج - سماک بن خرشه معروف به ابودجانه از بزرگان صحابه پیامبر و شجاعان نامی اسلام است. دلاوری او در جنگ یمامه زبانزد خاص و عام است، و در همان جنگ، به مقام رفیع شهادت نائل گشت.



می‌شوند». [۲۱]

روایت شده که امام صادق علیه السلام فرمود:

«هر کس، چهل صباح «دعای عهد» (اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ...) <sup>(۱)</sup> را بخواند، از انصار آن حضرت باشد، و اگر پیش از آن حضرت بمیرد، خداوند او را از قبرش بیرون آورد که در خدمت آن حضرت باشد». [۲۲]

**بیست و دوم** - زمین، گنج‌ها و ذخیره‌هایی را که در آن پنهان سپرده شده، بیرون می‌آورد. [۲۳]

**بیست و سوم** - باران و گیاه و درختان و میوه‌ها و سایر نعمت‌های زمینی زیاد می‌شود، [۲۴] به نحوی که حالت زمین در آن زمان، با حالات آن در اوقات دیگر تفاوت یابد. و قول خدای تعالی راست آید که فرمود:

﴿يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ﴾ <sup>(۲)</sup>

د - ابامعبد، مقداد ابن اسود الکندی از اصحاب خاص رسول خدا صلی الله علیه و آله و از بزرگان خواص علی علیه السلام میباشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: او یکی از چهار نفری (عمار، سلمان، ابوذر و مقداد) است که خداوند آنها را بسیار دوست داشته، و امر به دوست داشتن آنها نموده است. به سال ۳۳ هجری، روحش به ملکوت اعلی شتافت و در قبرستان بقیع در مدینه مدفون گشت.

ه - مالک بن حارث اشتر نخعی از بزرگان اصحاب علی علیه السلام است. در مقام او همین بس که امیرالمؤمنین علیه السلام درباره او فرمود: «مالک برای من چنان بود که من برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم». وی به دست کارگزاران معاویه و به امر او مسموم شد و به شهادت رسید. چون خبر شهادت مالک به معاویه رسید، آن چنان خوشحال شد که در پوست خود نمی‌گنجید. امام علی علیه السلام با شنیدن آن خبر، به شدت اندوهناک و غمگین گشت و مرگ مالک را از مصائب روزگار شمرد.

۱. این دعا در کتاب‌های ادعیه و تألیفات و محدثین متقدم ما آمده است، در مفاتیح الجنان، نیز نقل شده است، در قسمت ادعیه مربوط به امام عصر علیه السلام تحت عنوان دعای عهد.

۲. روزی که این زمین، به زمینی دیگر تبدیل شود (ابراهیم / ۴۸).



**بیست و چهارم** - عقول مردم به برکت وجود آن حضرت کامل شود. دست مبارک بر سر ایشان گذارد، [۲۵] و کینه و حسد که طبیعت ثانوی بنی آدم، از روز کشته شدن «هابیل» تاکنون شده از دل‌هایشان رخت بندد. علوم و حکمت ایشان افزون گردد، و علم را در دل‌های مؤمنین جای دهد. پس مؤمن، به علمی که در نزد برادر اوست محتاج نمی‌شود. و در آن وقت، تاویل آیه شریفه: ﴿يُعْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ﴾<sup>(۱)</sup> ظاهر می‌شود.

**بیست و پنجم** - در چشم و گوش اصحاب آن حضرت، نیرویی فوق‌العاده پدید آید، تا آنجا که وقتی به اندازه چهار فرسخ از آن حضرت دور باشند، آن امام همام با ایشان تکلم می‌فرمایند، و ایشان می‌شنوند، در حالی که حضرتش را می‌بینند. [۲۶]

**بیست و ششم** - اصحاب و یاران آن حضرت، عمری دراز خواهند یافت. امام صادق علیه السلام فرمود:

مرد، در دوره حکومت آن جناب آن اندازه عمر کند، تا اینکه برای او هزار پسر متولد شود. [۲۷]

**بیست و هفتم** - بیماری، بلیه و ضعف، از بدن‌های یاران آن حضرت بیرون می‌رود. [۲۸]

**بیست و هشتم** - به هریک از اعوان و انصار آن حضرت، قوت چهل مرد داده می‌شود. دل‌های ایشان مانند پاره آهن می‌گردد، اگر خواستند، می‌توانند به آن قوت کوه را بکنند. [۲۹]

**بیست و نهم** - مردم، به نور آن جناب، از نور آفتاب و ماه بی‌نیاز می‌شوند، چنانکه در تفسیر آیه شریفه:

۱. خداوند، هریک را از رحمت و سعته خود، بی‌نیاز خواهد ساخت. (نساء / ۱۳۰).

## ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾<sup>(۱)</sup>

روایت شده که رب (صاحب) زمین، امام زمان است. صلی الله علیه و علی آبائه. [۳۰]

سی ام - پرچم رسول خدا ﷺ در دست آن جناب است. [۳۱]  
سی و یکم - زره حضرت رسول ﷺ بر قد شریف آن حضرت راست می آید. و با بدن آن حضرت تناسب دارد، همچنانکه بر بدن مبارک حضرت رسول ﷺ بوده است. [۳۲]

سی و دوم - ابری مخصوص برای آن جناب است، که خدای تعالی آن را برای آن حضرت ذخیره کرده، و رعد و برق در آن است. حضرتش بر آن ابر سوار می شود و ابر، آن حضرت را در راه های هفت آسمان و هفت زمین می برد. [۳۳]

سی و سوم - تقیّه و خوف از مؤمنان نسبت به کفار و مشرکین و منافقین برداشته می شود. راه بندگی کردن خدای تعالی، و سلوک در امور دنیا و دین بر اساس قوانین نظام آفرینش و فرمان های آسمانی هموار می گردد، بدون اینکه نیاز باشد که از بیم مخالفان، برخی از آنها رها شود، یا مطابق با کارهای ستمگران، مرتکب اعمال زشت شویم، چنانکه خدای تعالی در کلام خود وعده داده است:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا



۱. و زمین به نور پروردگار خویش، درخشیدن گرفت. (زمر/ ۶۹).

يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»<sup>(۱)</sup>.

خدای تعالی کسانی از شما را که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، وعده داده که ایشان را در زمین جانشین گرداند، چنانکه آنان را که پیش از ایشان بودند، جانشین ساخت. و البته برای آنها دین ایشان را که برایشان پسندید متمکن سازد. و البته اینان را پس از ناامنی به ایمنی بدل سازد، که مرا بپرستند، و چیزی برای من شریک نگردانند.

**سی و چهارم** - سلطنت آن حضرت، تمام زمین را - از مشرق تا مغرب، خشکی و دریا، خراب و آباد و کوه و دشت - فرا می‌گیرد. جایی نمی‌ماند که حکمش جاری و امرش نافذ نشود، و اخبار، در این معنی متواتر است. و آیه شریفه ﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ طَوْعًا وَكَرْهًا﴾<sup>(۲)</sup> به همین معنی تأویل شده است. [۳۴]

**سی و پنجم** - تمام روی زمین از عدل و داد پر می‌شود. در کمتر خبر الهی یا نبوی، از طریق شیعه یا سنی، ذکری از حضرت مهدی عجل الله فرجه شده که این بشارت و این منقبت حضرتش در آن مذکور نباشد. [۳۵]

**سی و ششم** - آن حضرت در میان مردم به علم امامت حکم می‌فرماید (نه بر اساس ظاهر). بی‌بینه و شاهد از احدی نمی‌خواهد، [۳۶] مثل حکم داود و سلیمان علیهما السلام.<sup>(۳)</sup>

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

۲. هرآنکه در آسمان‌ها و زمین است، از سر میل یا اکراه اطاعت و اجبار، تسلیم فرمان او شده است. (سوره آل عمران، آیه ۸۳).

۳. در روایات آمده است که حضرت داود و حضرت سلیمان علیهما السلام در قضاوت خویش، بدون توجه به شواهد و قرائنی که مدعی و محکوم عنوان می‌کردند، به علم غیب خویش، حق را مشخص می‌فرمودند، حضرت مهدی علیه الصلوٰة والسلام نیز پس از ظهور بدینگونه قضاوت

سی و هفتم - آن حضرت، احکام مخصوص می‌آورد، که تا عهد آن حضرت، اجرا نشده بود<sup>(۱)</sup>. مثلاً آن حضرت، پیرزناکار و مانع الزکات را می‌کشد و دو نفر که در عالم ذر میانشان عقدِ اُخوت بسته شده، در اینجا از یکدیگر میراث می‌برند. [۳۷]

شیخ طبرسی رحمته الله علیه روایت کرده که:

«آن جناب، مرد بیست ساله‌ای را که علم دین نیاموخته باشد، می‌کشد». [۳۸]

سی و هشتم - تمام مراتب علوم ظاهر می‌شود. قطب راوندی<sup>(۲)</sup> در خرائج، روایت کرده که امام صادق علیه السلام فرمود:

«علم، بیست و هفت حرف است. تمام آنچه پیغمبران آورند، دو حرف بود. و مردم تا امروز، غیر از این دو حرف را نشناختند. هرگاه قائم ما علیه السلام خروج کند، بیست و پنج حرف را بیرون آورد. و آنها را در میان مردم پراکنده می‌کند و دو حرف دیگر را به آن ضمیمه می‌دارد<sup>(۳)</sup>، تا آنکه تمام بیست و هفت حرف را منتشر

خواهند فرمود.

۱. برخی از احکام و حقوق اسلامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را از جانب خدای متعال، تشریح فرموده‌اند، مختص به ایام حکومت جهانی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه است، و در زمان‌های قبل از آن، اجرا نمی‌گردد.

۲. قطب الدین ابوالحسین سعیدبن هبه الله بن حسن راوندی، متوفی به سال ۵۷۳ هجری، از متکلمین و محدثین و فقهای نامی شیعه و از بزرگان دانشمندان ماست. سید ابن طاووس رحمته الله علیه در کشف المحجبه از وی تعریف و تمجید بسیار کرده است. شیخ ابوعلی طبرسی، سید مرتضی، سید رضی از استادان او به شمار می‌روند. او از نخستین شارحان نهج البلاغه است که ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه، از شرح او منهاج البراعه استفاده کرده است. المغنی فی شرح النهایه در ۱۰ جلد، خلاصه التفاسیر در ۱۰ جلد، تفسیر قرآن در ۲ جلد، شرح آیات احکام، قصص الانبیاء، و الخرائج و الجرایح، در معجزات، از کتب او محسوب می‌شوند.

۳. یعنی اگر کل علوم را که خداوند در اختیار بشر نهاده، به ۲۷ بخش تقسیم کنیم، تا زمان





می فرماید. [۳۹]

سی و نهم - شمشیرهای آسمانی برای انصار و اصحاب آن حضرت  
فروود می آید. [۴۰]

چهلیم - حیوانات از یاران آن حضرت اطاعت می کنند. [۴۱]

چهل و یکم - دو نهر از آب و شیر، پیوسته در ناحیه ای از کوفه که مقر  
سلطنت آن حضرت است، از سنگ جناب موسی علیه السلام که با آن حضرت  
است بیرون می آید<sup>(۱)</sup> در خرائج مروی است که حضرت باقر علیه السلام فرمود:  
چون قائم علیه السلام خروج کند و متوجه کوفه شود، منادی آن  
حضرت ندا کند: «آگاه باشید که کسی عطامی و آبی با خود  
برندارد». آن حضرت، سنگ حضرت موسی را که دوازده  
چشمه آب از آن جاری شده بود، حمل می کند. در منزلی فروود  
نمی آیند مگر آنکه آن را نصب می فرماید. از آن سنگ، چشمه ها  
جاری می شود. هر که گرسنه باشد، سیر می شود و هر که تشنه  
باشد، سیراب می گردد. آن سنگ، توشه ایشان است تا وارد  
نجف شوند، پشت کوفه. چون فروود آمدند، پیوسته از آن آب  
و شیر جاری می شود، هر که گرسنه باشد، سیر می شود و هر که  
تشنه باشد، سیراب می گردد». [۴۲]

---

ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام فقط دو بخش از آن ظاهر خواهد شد و ۲۵ قسمت دیگر را آن  
حضرت، در ایام حکومت جهانی خویش، ظاهر خواهند فرمود، به طوری که در ایام ظهور، تمام  
۲۷ بخش علم، در نزد مردمان آن دوره، آشکار و هویدا خواهد بود.

۱. پس از نابودی فرعون، قون بنی اسرائیل در صحرا و بیابان، به مقصد فلسطین، حرکت کردند.  
آنگاه که بر آنها تشنگی مستولی می شد، حضرت موسی علیه السلام به امر خدای متعال، با عصای  
خویش، بر سنگی می زد و از آن سنگ، دوازده چشمه می جوشید، تا اینکه دوازده قبیله  
بنی اسرائیل، از آن سیراب می شدند، آن سنگ، نزد حضرت صاحب الزمان علیه السلام است، و پس از  
ظهور، از آن به همان ترتیب استفاده خواهد شد.

چهل و دوم - حضرت روح الله، عیسی بن مریم علیها السلام از آسمان، برای یاری حضرت مهدی نازل می شود، و پشت سر آن جناب نماز می گزارد، چنانکه در روایات بسیار وارد شده [۴۳] بلکه خدای تعالی آن را از مدائح و مناقب آن جناب شمرده است.

در کتاب مختصر البصائر، حسن بن سلیمان حلی<sup>(۱)</sup> ضمن حدیث طولانی روایت کرده است:

«خداوند تبارک و تعالی به رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب معراج فرمود: عطا فرمودم به تو، اینکه از صُلب او یعنی علی علیه السلام یازده مهدی (امام هدایت شده) بیرون آورم که همه از ذریه تو باشند از بکر بتول (حضرت فاطمه علیها السلام) آخرین مرد ایشان، کسی است که عیسی بن مریم علیه السلام پشت سر او نماز می گزارد. زمین را از عدل پر می کند، چنانچه از ظلم و جور پر شده باشد، به او از مهلکه نجات می دهم و از ضلالت هدایت می کنم، و از کوری عافیت می دهم و به او مریض را شفا می دهم.» [۴۴]

چهل و سوم - دَجَّال را که از عذاب های الهی برای اهل قبله است، می کُشد. در قرآن می فرماید:

﴿قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ﴾<sup>(۲)</sup>

۱. شیخ حسن بن سلیمان بن خالد حلی از فقهای بزرگ شیعه در قرن هشتم و از شاگردان شهید اول است. کتاب او مختصر (منتخب) بصائر الدرجات نام دارد. او بصائر الدرجات از کتب سعد بن عبدالله اشعری را تلخیص کرده، که اصل آن امروزه موجود نیست، البته کتاب بصائر الدرجات، از آثار جناب محمد بن حسن صفار (متوفی ۲۹۰) اکنون موجود است و از آثار معتبره به شمار می آید، که میان این دو کتاب اشتراک در اسم است.

۲. بگو، خداوند قادر است که عذابی از بالای سرتان بر شما برانگیزاند (قرآن کریم، سوره انعام، آیه ۶۵).



در تفسیر قمی روایت شده که امام باقر علیه السلام، عذاب را در این آیه، به دجال و صیحه تفسیر فرمود. [۴۵] و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«هیچ پیغمبری نیامد، مگر آنکه مردم را از فتنه دجال برحذر داشت.» [۴۶]

**چهل و چهارم** - هفت تکبیر، بر جنازه احدی بعد از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام جایز نیست، جز بر جنازه امام عصر علیه السلام، چنانکه در حدیث وفات و شهادت حضرت امیرالمؤمنین، و وصیت آن حضرت به امام حسن علیه السلام ذکر شده است. [۴۷]

**چهل و پنجم** - تسبیح آن حضرت از روز هجدهم تا روز آخر هر ماه است.

توضیح اینکه برای حجج طاهره علیهم السلام تسبیحی است در ایام ماه. تسبیح پیغمبر صلی الله علیه و آله در روز اول ماه است. تسبیح امیرالمؤمنین علیه السلام در روز دوم ماه، تسبیح حضرت زهرا علیه السلام در سوم ماه. و به این ترتیب، تسبیح باقی ائمه علیهم السلام است، تا حضرت امام رضا علیه السلام، که تسبیح آن حضرت، در دهم و یازدهم است؛ و تسبیح حضرت جواد علیه السلام که در دوازدهم و سیزدهم است؛ و تسبیح حضرت هادی علیه السلام در چهاردهم و پانزدهم است؛ و تسبیح حضرت عسکری علیه السلام در شانزدهم و هفدهم است؛ و تسبیح حضرت حجت علیه السلام در هجدهم ماه است تا آخر ماه. و اما تسبیح آن حضرت، این است: [۴۸]

«سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رِضًا نَفْسِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ



مَدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ زِنَةَ عَرْشِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ»<sup>(۱)</sup>.

چهل و ششم - سلطنت ستمگران و دولت ظالمان در دنیا به وجود آن جناب پایان می‌یابد، که دیگر در روی زمین، پادشاهی نخواهند کرد. و دولت آن حضرت به قیامت یا به رجعت سایر حضرات ائمه علیهم‌السلام یا به دولت فرزندان آن حضرت متصل می‌شود و نقل شده که حضرت صادق علیه‌السلام مکرر این بیت را می‌خواندند. [۴۹]

لِكُلِّ أُنَاسٍ دَوْلَةٌ يَرْقُبُوهَا وَدَوْلَتُنَا فِي آخِرِ الدَّهْرِ تَظْهَرُ (۲).

۱. منزه است خداوند متعال به شمارش مخلوقاتش (تنزه او بی‌اندازه و بی‌حد است)، منزه است خداوند تا آنجا که خشنود گردد، منزه است خداوند به استمرار کلماتش (کلمات، یعنی مخلوقات، و جمله یعنی اینکه خداوند، الی‌الابد منزه است)، منزه است خداوند به وزن عرشش (به مقدار بی‌مقدار علمش). و بدین‌گونه که بیان شد، حمد و ستایش نیز از آن اوست.  
 ۲. هر گروه از مردم، دولتی دارند که انتظار آن را می‌کشند و دولت ما نیز در آخر الزمان ظاهر می‌گردد.



## بخش دوم

### اثبات وجود مبارک امام عصر علیه السلام

در اثبات وجود مبارک امام دوازدهم، حضرت حجّت علیه السلام و غیبت آن حضرت، اکتفا می‌کنیم به آنچه علامه مجلسی رحمته الله علیه، در کتاب حَقُّ الیقین ذکر کرده است. و هر که طالب تفصیل است به کتاب نجم ثاقب و غیر آن رجوع کند.

علامه مجلسی می‌فرماید:

بدان که احادیث خروج مهدی علیه السلام را دانشمندان شیعه و سنی به طرق متواتر روایت کرده‌اند.

اول - در جامع الاصول<sup>(۳)</sup> از صحیح بخاری و مسلم و ابی داود و ترمذی<sup>(۴)</sup>

۳. تألیف مبارک بن محمد بن محمد بن عبدالکریم شبیبانی جزری اربلی از دانشمندان اهل تسنن در قرن ششم است. وی به ابن اثیر نیز معروف است. الانصاف، نهاییه و جامع الاصول فی احادیث الرسول - که اخبار صحاح ششگانه را در آن جمع نموده - از کتب معروف او محسوب می‌شوند.  
 ۴. اهل سنت دارای شش کتاب هستند، که این کتب، جوامع اولیه اهل سنت را تشکیل می‌دهد و مرجع و مورد اعتماد آنان در عقائد، و فروع و تفسیر، و تاریخ صدر اسلام می‌باشد. نویسندگان آنها، روایاتی را که جمع نموده‌اند، صحیح دانسته و اظهار داشته‌اند که روایات ضعیف را نقل نموده‌اند. از این جهت، شش کتاب یاد شده به صحاح سته معروف گردیده است و آنها عبارتند است:



از ابوهریره<sup>(۱)</sup> روایت کرده است، که رسول خدا ﷺ فرمود:

«به حق آن خداوندی که جانم در دست قدرت او است، نزدیک است فرزند مریم نازل شود، که حاکم عادل باشد. او، چلیپای نصاری را بشکند و خوک‌ها را بکشد و جزیه را برطرف کند. (یعنی از ایشان به غیر اسلام، دینی قبول نکنند) و چندان مال فراوان گردد که مال را دهند و کسی قبول نکنند.» [۱]

دوم - رسول خدا ﷺ فرمود:

«چگونه خواهید بود، در وقتی که در میان شما فرزند مریم نازل شود و امام شما از شما باشد (یعنی مهدی علیه السلام)؟» [۲]

سوم - در صحیح مسلم از جابر روایت کرده است که رسول خدا ﷺ

فرمود:

«پیوسته گروهی از امت من، بر حق می‌جنگند، و غالب خواهند بود، تا روز قیامت. آنگاه عیسی پسر مریم (از آسمان)

۱- صحیح محمد بن اسماعیل بخاری، در گذشته سال ۲۵۶.

۲- صحیح مسلم بن حجاج نیشابوری، در گذشته سال ۲۶۱.

۳- صحیح ترمذی، در گذشته سال ۲۷۹.

۴- صحیح ابی داود سیستانی، در گذشته سال ۲۷۵.

۵- صحیح ابن ماجه قزوینی، در گذشته سال ۲۷۳.

۶- صحیح نسائی، در گذشته سال ۳۰۳.

گاهی از صحیح بخاری و مسلم به صحیحین، و از چهار کتاب دیگر به سنن تعبیر می‌شود.

۱. از ابوهریره در کتاب‌های اهل تسنن نقل قول فراوان می‌شود. به همین دلیل، به بعضی از روایات او در مقام احتجاج، استناد می‌شود. البته ابوهریره نه تنها مورد اعتماد شیعه نیست، بلکه میان اهل تسنن نیز مخالفان بسیار دارد. ابوهریره در سال هفتم هجری، اسلام آورد. بنابراین فقط سه سال پیغمبر را درک کرده است. وی جاعل ۵۳۰۰ حدیث می‌باشد که غالب آنها را در دستگاه معاویه و به تقاضای او جعل کرده است.



فرود می‌آید. امیرایشان می‌گوید: بیا با تو نماز کنیم، او می‌گوید:  
 «بدانید که شما بر یکدیگر امیرید، برای آنکه خدا این امت را  
 گرامی داشته است». [۳]

چهارم - در مسند ابوداود و ترمذی را ابن مسعود<sup>(۱)</sup> روایت کرده است که  
 حضرت رسول ﷺ فرمود:

«اگر از دنیا نمانده باشد مگر یک روز، البته حق تعالی آن روز  
 را طولانی خواهد کرد، تا آنکه در آن روز، مردی را از امت من  
 (یا از اهل بیت من)<sup>(۲)</sup> برانگیزاند، که نام او موافق نام من  
 باشد، و زمین را از عدالت پُر کند، چنانچه پُر از ظلم و جور  
 بوده باشد». [۴]

و به روایت دیگر:

«دنیا سپری نگردد، تا آنکه مردی از اهل بیت من، پادشاه عرب  
 شود، که نامش موافق نام من باشد». [۵]

پنجم - از ابوهریره روایت کرده‌اند که:

«اگر باقی نماند از دنیا مگر یک روز، خدا آن روز را طول دهد تا  
 مردی از اهل بیت من، به پادشاهی رسد، که نام او با نام من  
 موافق باشد». [۶]

ششم - در سنن ابن داود از علیؓ روایت کرده است که حضرت  
 رسول ﷺ فرمود:

---

۱. عبدالله بن مسعود هذلی از مسلمانان صدر اسلام است، که در میان صحابه پیامبر به علم  
 قرائت شهرت دارد. عالمان اهل سنت از وی تجلیل بسیار نموده، داناترین صحابه پیامبر به  
 حسابش آورده‌اند.

۲. تردید، از راوی است.



«اگر از عمر روزگار باقی نماند مگر یک روز، البته خدا مردی را از اهل بیت من برانگیزاند که زمین را از عدل پر کند، چنانکه از جور پر شده باشد». [۷]

هفتم - در سنن ابوداود از ام سلمه<sup>(۱)</sup> روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «مهدی از عترت من، از فرزندان فاطمه است». [۸]

هشتم - ابوداود و ترمذی روایت کرده‌اند از ابوسعید خدری<sup>(۲)</sup> که حضرت پیامبر ﷺ فرمود:

مهدی از فرزندان من است. گشاده پیشانی و کشیده بینی باشد، و زمین را مملو از قسط و عدالت کند، چنانچه مملو از ظلم و جور شده باشد و هفت سال پادشاهی کند. [۹]

نهم - روایت کرده‌اند که ابوسعید گفت: ما می‌ترسیدیم که بعد از پیغمبر ﷺ مسائلی پیش آید. لذا از آن حضرت پرسیدیم. فرمود:

«در امت من، مهدی خواهد بود. بیرون می‌آید و پنج سال یا هفت سال یا نه سال پادشاهی کند». (تردید از راوی است) مردی به نزد او می‌آید و گوید: «ای مهدی به من عطا کن». حضرتش آن اندازه زر در دامنش بریزد که دامنش پر شود». [۱۰]

۱. هند دختر ابی امیه بن مغیره بن عبدالله بن عمر بن مخزوم معروف به ام سلمه، از همسران با فضیلت پیامبر است، که بعد از حضرت خدیجه<sup>(ع)</sup> برترین همسر پیامبر محسوب می‌شود. وی بعد از وفات پیامبر اکرم، از حقوق اهل بیت عصمت<sup>(ع)</sup> دفاع می‌کرد، و از مخلصین خاندان نور بود. وفات او را در زمان یزید بن معاویه نقل کرده‌اند.

۲. سعد بن مالک معروف به ابوسعید خدری، از بزرگان اصحاب رسول اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> است، که شیعه و سنی از او روایت نقل کرده‌اند.





دهم - در سنن ترمذی از ابواسحاق روایت کرده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روزی به پسر خود حسین علیه السلام نظر کرد، و فرمود:

«این پسر من، سیّد و مهتر قوم است، چنانکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله او را سیّد نام نهاد. از خاندان او مردی بیرون خواهد آمد که نام پیغمبر شما را دارد و در خلقت و اخلاق به او شبیه است. او زمین را پُر از عدالت خواهد کرد.» [۱۱]

یازدهم - حافظ ابونعیم<sup>(۱)</sup> که از محدّثین مشهور عامّه است، چهل حدیث از صحاح ایشان روایت کرده است که مشتمل اند بر صفات و احوال و اسم و نسب آن حضرت. و از جمله آنها، از «علی بن هلال»، از پدرش روایت کرده است که گفت:

«به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رفتم، در حالی که آن حضرت از دنیا وداع می کرد. حضرت فاطمه علیها السلام نزد سر آن حضرت نشسته بود و می گریست. چون صدای گریه آن حضرت بلند شد، حضرت رسول صلی الله علیه و آله، سر به جانب او برداشت و فرمود: ای حبیبه من! فاطمه، چه چیزی باعث گریه تو شده است؟ فاطمه گفت: می ترسم که امت تو بعد از تو، مرا ضایع گردانند و رعایت حرمت من ننمایند.

حضرت فرمود: ای حبیبه من! مگر نمی دانی که خدا بر زمین

۱. ابونعیم، احمد بن عبدالله اصفهانی از دانشمندان بزرگ اهل تسنن در قرن پنجم است. نزد اهل تسنن اعتبار تمام دارد. کتاب حلیه الاولیاء از تألیفات اوست. وی در کتاب «اربعمین» خود، چهل حدیث در معرفی حضرت امام زمان علیه السلام آورده است. اهمیت این روایات به این است که اغلب آنها از راویان مشهور اهل تسنن نقل شده است، مانند: عبدالله بن عمر، ابوسعید خدری، عبدالرحمن بن عوف، انس بن مالک و ابوهریره و غیره.



نظری افکند. از آن، پدر تو را برگزید و او را به رسالت خود مبعوث فرمود. آنگاه بار دیگر نظر کرد، و همسر تو را برگزید و به من وحی کرد که تو را به نکاح او درآورم.

ای فاطمه! خدا به ما هفت خصلت عطا فرمود، که به احدی پیش از ما نداده است و به احدی بعد از ما نخواهد داد:

منم خاتم پیغمبران، و گرامی‌ترین ایشان نزد خدا، و محبوب‌ترین خلق به سوی خدا، و من پدر توام. وصی من بهترین اوصیاء است، و محبوب‌ترین ایشان است به سوی خدا، و او شوهر تو است. شهید ما، بهترین شهیدان است و محبوب‌ترین ایشان است به سوی خدا، و او «حمزه» عم پدر و شوهر تو است. و از ماست آنکه خدا دو بال به او داده است که در بهشت پرواز می‌کند با ملائکه به هر جا که خواهد، و او پسر عم پدر تو و برادر شوهر تو است<sup>(۱)</sup>. از ماست دو سبط این امت، و آنها دو پسر تواند، حسن و حسین، و ایشان بهترین جوانان بهشت‌اند. و پدر ایشان - به حق آن خدایی که مرا به حق فرستاده است - بهتر است از ایشان.

ای فاطمه! به حق خداوندی که مرا به حق فرستاده است، از حسن و حسین، مهدی این امت خواهد بود. او زمانی ظاهر می‌شود که دنیا پر از هرج و مرج شود، و فتنه‌ها ظاهر گردد، و راه‌ها بسته شود، و مردم، بعضی بر بعضی حمله کنند، نه پیری بر کودکی رحم کند و نه کودکی، پیری را بزرگ دارد. خدا در آن وقت از فرزندان ایشان، کسی را برانگیزاند که قلعه‌های ظلال



۱. منظور، حضرت جعفر بن ابیطالب (جعفر طیار) است که برادر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هستند و در جنگ موته، شهید شدند.

را و دلہایی را که غافل از حق باشند، فتح کند و به دین خدا در آخر الزمان قیام کند، چنانکه من قیام نمودم، و زمین را از عدالت پر کند، چنان که پُر از ظلم و جور باشد.

ای فاطمه! اندوهناک مباش و گریه مکن، که خدای عزوجل نسبت به تو، رحیم تر و مهربان تر از من است. به سبب منزلتی که نزد من داری و محبتی که از تو در دل من است. و خدا تو را به کسی تزویج کرده است که حسَبِش از همه بزرگتر و مَنصَبِش از همه گرامی تر است، رحیم ترین مردم بر رعیت، و عادل ترین مردم در تقسیم به تساوی، و بینا ترین مردم به احکام الهی است.

من از خدا خواستم که تو، اول کسی از اهل بیت من باشی که به من ملحق شوند.

علیؑ فرمود:

«فاطمهؑ بعد از حضرت رسول ﷺ باقی نماند مگر هفتاد و پنج روز، که به پدر خود ملحق گردید». [۱۲]

در این حدیث، رسول خدا ﷺ مهدی را به امام حسن و امام حسینؑ - هر دو - نسبت داد. برای آنکه امام زمان، از جهت مادر، از نسل حضرت امام حسنؑ است. زیرا که مادر حضرت امام محمد باقرؑ دختر امام حسنؑ بود. در چند حدیث دیگر، روایت کرده است که امام زمان، از نسل حضرت امام حسینؑ است.

دوازدهم - دارقطنی<sup>(۱)</sup> که از محدثین مشهور عامه است، همین حدیث



۱. ابوالحسن علی بن عمر بغدادی دارقطنی از دانشمندان اهل سنت در قرن چهارم است. وی شافعی مذهب بود و کتاب «السنن» و «المؤتلف و المختلف» از آثار اوست.

طلوانی را از «ابوسعید خدری» روایت کرده است. و در آخرش گفته است که حضرت فرمود: از ماست مهدی این امت، که عیسی پشت سر او نماز می‌گردد. آنگاه دست بردوش حسین علیه السلام زد، و فرمود: مهدی این امت از این (امام حسین علیه السلام) پدید می‌آید. [۱۳]

سیزدهم - ابونعیم از حذیفه <sup>(۱)</sup> و ابوامامه باهلی <sup>(۲)</sup> روایت کرده است که:

«روی مهدی علیه السلام مانند ستاره درخشان است و بر جانب راست

روی مبارکش خال سیاهی است». [۱۴]

چهاردهم - عبدالرحمن بن عوف <sup>(۳)</sup> گوید: حضرت رسول صلی الله علیه و آله درباره

مهدی علیه السلام فرمود: «دندان هایش گشاده است». [۱۵]

پانزدهم - عبدالله بن عمر <sup>(۴)</sup> گوید: حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود:

۱. حذیفه بن الیمان العسی، از بزرگان اصحاب و انصار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و یکی از چهار نفر اصحاب سر امیرالمؤمنین صلوات الله علیه محسوب می‌شود. وی چهل روز بعد از بیعت مردم با حضرت علی علیه السلام در مدائن، دارفانی را وداع گفت.

او در زمان عثمان، به ولایت مدائن منصوب گشت و پس از قتل او، به منبر رفت و حقایق ناگفته‌ای از وقایع صدر اسلام را بازگفت و حقانیت خلافت حضرت امیرالمؤمنین را اثبات نمود.

۲. صدی بن عجلان معروف به ابوامامه باهلی، از صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد. معاویه بر او نگاهیانی گذاشته بود تا وی جلب امیرالمؤمنین علی علیه السلام نشود، فوت او را در سال ۸۶ هجری نگاشته‌اند.

۳. عبدالرحمن بن عوف یکی از صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد که انحراف او از اهل بیت مشهور است. وی یکی از کسانی است که در سقیفه با ابوبکر بیعت کرد و در شورای شش نفره عمر، به عثمان رأی داد. وی، علناً با علی علیه السلام مخالفت نمود. در زمان خلافت عثمان درگذشت و قبل از مرگ وصیت کرد که عثمان بر او نماز گزارد.

۴. عبدالله بن عمر بن خطاب یکی از صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. سید بن طاووس در طرائف، او را در ضمن کسانی می‌شمارد که تظاهر به عداوت با اهل بیت عصمت علیهم السلام می‌نموده‌اند. او در زمره دشمنان بزرگ اهل بیت به شمار می‌رود که گهگاه ناچار از تصریح و اعتراف به مقام شامخ



«بر سرش، ابری سایه می‌افکند و بر بالای سرش، ملکی ندا خواهد کرد: این مهدی است و خلیفه خداست، پس او را متابعت کنید». [۱۵]

شانزدهم - جابر بن عبدالله و ابوسعید روایت کرده‌اند که پیامبر فرمود:

«عیسی پشت سر مهدی علیه السلام نماز خواهد کرد». [۱۷]

صاحب کفایة الطالب، محمد بن یوسف شافعی<sup>(۱)</sup> که از علمای عامه است، کتابی در باب ظهور مهدی علیه السلام و صفات و علامات او نوشت، مشتمل بر بیست و پنج باب [۱۸]. همچنین کتاب شرح السنه نوشته حسین بن مسعود بغوی که از کتب مشهوره عامه است، نسخه قدیمی از آن نزد فقیر است که اجازات علماء ایشان بر آن نوشته است، و در آن پنج حدیث از اوصاف مهدی از صحاح ایشان روایت کرده است. و «حسین بن مسعود فراء»<sup>(۲)</sup> در مصابیح که اکنون میان عامه متداول است، پنج حدیث در خروج مهدی علیه السلام روایت کرده است. [۱۹]

علمای شیعه، از کتب معتبره عامه، صدها حدیث در این باب نقل

آنها نیز گشته است.

۱. ابوعبدالله محمد بن یوسف گنجی شافعی، از علمای مشهور اهل سنت و محدثین بزرگ آنهاست. وی در شهرهای مختلف، از محضر بسیاری از علمای نامی اهل تسنن، علوم فقه و تفسیر و حدیث و غیره را فراگرفت. کتاب‌های کفایة الطالب فی مناقب امیرالمؤمنین و البیان فی احوال صاحب الزمان علیه السلام را از روی اخبار کتب معتبر اهل تسنن، تألیف کرده و میزان علاقمندی خود را به اهل بیت عصمت علیهم السلام اظهار داشته است. به دلیل همین کتاب‌ها، مردم شام در سال ۶۵۸ هجری قمری بروی شوریدند، و او را در مسجد اموی شام به جرم طرفداری از شیعه، کشتند، و شکمش را شکافتند.

۲. ابومحمد حسین بن مسعود بن محمد شافعی، متوفی به سال ۵۱۶. معروف به فراء و مشهور به بغوی است که اهل تسنن او را محی السنه لقب داده‌اند. کتب تهذیب در فقه، مصابیح، الجمع بین الصحیحین، معالم التنزیل و شرح السنه از تألیفات او است.



کرده‌اند. در کتب معتبر شیعه نیز، بیش از هزار حدیث در زمینه ولادت حضرت مهدی علیه السلام، و غیبت او روایت کرده‌اند. [۲۰]

اخبار رسیده درباره حضرت مهدی علیه السلام، با کثرت و تواتری که دارند، موجب یقین و صحت در اعتقاد اسلامی می‌گردد، به دلیل اینکه آن روایات، در بردارنده نوعی پیشگویی غیبی از قبیل نحوه تولد و غیبت و وضعیت مردم آخر الزمان و... است، که از ده‌ها سال پیش گفته شده، و دقیقاً طبق واقع انجام شده است. این اعجاز از جهت دیگر، دلیل صحت این روایات و قطعیت این اعتقاد است.

اثبات تولد آن حضرت، و کسانی که در ایام کودکی آن حضرت را دیده‌اند

ولادت آن حضرت، از مسلمات است. جمع کثیری، از آن ولادت باسعادت مطلع شدند. جماعت بسیاری از افراد مورد وثوق، حضرتش را دیدند، از وقت ولادت شریف تا غیبت کبری. و بعد از آن نیز فراوان بوده‌اند که در کتب معتبره خاصه و عامه مذکور است.

صاحبان کتاب‌های *فصول المهمّة*<sup>(۱)</sup>، *مطالب السؤل*<sup>(۲)</sup>، *شواهد النبوه*<sup>(۳)</sup> و نیز *ابن خلکان*<sup>(۴)</sup> و بسیاری از دانشمندان غیر شیعی، در کتب

۱. علی بن محمد بن صباغ مکی مالکی مؤلف کتاب *فصول المهمه فی معرفه الائمه* از دانشمندان اهل تسنن است، ابن صباغ به سال ۸۵۵ وفات یافت.

۲. حافظ محمد بن طلحه شافعی از دانشمندان شافعی، که در نصیبین منصب قضاوت داشت، و در دمشق به خطابه مشغول بود. در پایان عمر در حلب زندگی کرد و در همانجا در سال ۶۵۲ درگذشت و *مطالب السؤل* یکی از آثار مشهور اوست.

۳. عبدالرحمن بن احمد، نورالدین جامی از دانشمندان اهل سنت در قرن نهم می‌باشد. *الدیه الفاخره فی تفصیل مذاهب الحکماء و المتصوفه و شواهد النبوه فی فضائل النبی و الائمه* از آثار او به شمار می‌رود.

۴. قاضی ابوالحسن، احمد بن محمد بن ابراهیم، معروف به ابن خلکان اربلی شافعی متوفی به



خود، ولادت آن حضرت را با سایر خصوصیات که شیعه روایت کرده‌اند، نقل نموده‌اند. پس همان‌گونه که ولادت پدران بزرگوار آن حضرت معلوم است، ولادت آن حضرت نیز معلوم است.

البته بعضی از مخالفان، طول غیبت و خفای ولادت و طول عمر شریف آن حضرت را بعید و عجیب می‌دانند. باید دانست اموری که با برهان محکم ثابت شده باشد، به محض استبعاد، نفی آن نمی‌توان نمود<sup>(۱)</sup>، چنان که کفار قریش انکار معاد می‌نمودند به محض استبعاد، که استخوان‌های پوسیده و خاک شده، چگونه زنده می‌توان شد [۲۱]، با آنکه مانند آن، در امت‌های گذشته بسیار واقع شده بود<sup>(۲)</sup>.

در احادیث خاصه و عامه وارد شده است که:

«آنچه در امام گذشته واقع شده، مثل آن در این امت واقع

می‌شود». [۲۲]

علاوه بر این، جمعی کثیر- که شناخته شده‌اند - بر ولادت با سعادت

سال ۶۸۱ از مشاهیر دانشمندان متعصب اهل تسنن است. کتاب مشهور وفیات الاعیان، معروف به تاریخ ابن خلکان، از آثار مهم اوست.

۱. مطالبی که با دلائل محکم عقلی و برهانی اثبات شده است، اگر با معمول رخدادهای اجتماعی، هماهنگ نبود و شکل خارق العاده به خود گرفت، انسان نباید آنها را انکار کند، زیرا امکان و صحت آنها، با دلائل عقلی اثبات شده است.

۲. کفار قریش، با ذهن ناتوان خویش، توان بارور کردن این نکته را نداشتند، که انسان پس از مردن و پراکنده گشتن بدن مادی او، بار دیگر برای رستاخیز الهی، به امر حضرت ربوبیت زنده می‌شود، (با اینکه آنان، نمونه‌هایی از احياء اموات را در این دنیا دیده بودند). مخالفین کم اندیشه مهدویت نیز، خصوصیات آن حضرت را از قبیل، غیبت و طول عمر، و.. را به دلیل استبعاد و ناباوری، بهانه عدم اعتقاد خویش نموده‌اند، با اینکه این ویژگی‌ها، شگفت است، ولی ممکن و شدنی است و از نظر عقل، محال نیست.



آن حضرت مطلع شدند، مانند: حکیمه خاتون، و قابله‌ای که در سُرَّ مَن رَای همسایه ایشان بود. بعد از ولادت امام زمان تا وفات حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، جماعت بسیاری خدمت آن حضرت رسیدند. و معجزاتی که در وقت ولادت آن حضرت، در نرجس خاتون، مادر آن حضرت ظاهر شد، بیش از آن است که بتوان برشمرد. [۲۳]

علامه مجلسی در دو کتاب «بحارالانوار» و «جلاء العیون» و رسائل دیگر نیز مطالبی در این زمینه بیان داشته است. وی در «حَقَّ الیقین» آورده است:

«شیخ صدوق» محمد بن بابویه به سند صحیح از احمد بن اسحاق<sup>(۱)</sup> روایت کرده است که گفت: به خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رفتم و می‌خواستم از آن حضرت بپرسم که امام بعد از او چه کسی خواهد بود؟ آن حضرت، پیش از آنکه من بپرسم، فرمود:

«ای احمد! خدای عزوجل، از روزی که آدم را خلق کرده است تا حال، زمین را خالی از حجت نگردانیده است. و تا روز قیامت خالی نخواهد گذاشت. از کسی که حجت خدا بر خلق باشد، به برکت او بلاها را از زمین بردارد، و به سبب او باران از آسمان بفرستد، و برکت‌های زمین را بربویند».

گفتم:

۱. ابوعلی، احمد بن اسحاق قمی از محدثین بزرگ قم و دارای جلال قدر و عظمت شأن است. از حضرت امام محمد تقی و امام علی نقی علیه السلام روایت نموده، و در قم از وکلای امام حسن عسکری علیه السلام بوده است. مکرر از قم به سامره سفر کرده و خدمت امام عسکری علیه السلام رسیده، و امام زمان صلوات الله علیه را نیز درک نموده است. وی به فیض ملاقات چهار امام معصوم، و یاری کردن آنها نائل گشته است.





«یابن رسول الله، پس امام و خلیفه بعد از شما کیست؟»

آن حضرت برخاست، داخل اندرونی خانه شد، و سپس بیرون آمد، در حالی که کودکی مانند ماه شب چهارده، بر دوشش بود، که سه ساله می نمود. امام عسکری علیه السلام فرمود:

«ای احمد! این است امام بعد از من. و اگر تو، نزد خدا و حجت های او گرامی نبودی، او را به تو نشان نمی دادم.

نام و کنیت این فرزند، مانند نام و کنیت حضرت رسول صلوات الله علیه است. و زمین را پراز عدالت خواهد کرد، بعد از آنکه پراز جور و ستم شده است.

ای احمد، مثل او در این امت، مانند خضر و ذوالقرنین است. به خدا سوگند که (از دیدگان مردم) غائب خواهد شد که در این غیبت، کسی از هلاکت و گمراهی نجات نیابد، مگر آن کس که خدا او را بر قول به امامت او ثابت قدم بدارد، و برای دعا بر تعجیل فرج او، توفیقش دهد.

گفتم: آیا معجزه ای و علامتی ظاهر می تواند شد که خاطر من مطمئن گردد؟

دیدم که آن کودک به سخن آمد، و به زبان فصیح عربی گفت:

«منم بقیة الله در زمین، و انتقام کشنده از دشمنان خدا، بعد از این دیدن، دیگر نشانه ای (از من) طلب مکن».

احمد گفت: «شاد و خوشحال، از خدمت آن حضرت بیرون آمدم. روز دیگر، به خدمت آن حضرت رفتم و گفتم: یابن رسول الله با لطفی که به من کردید، بسیار شادمان شدم. برایم بیان کنید که سنت خضر و ذوالقرنین،



که در آن حجت (امام زمان علیه السلام) خواهد بود، چیست؟

امام عسکری علیه السلام فرمود:

«آن سنت، طول غیبت است، ای احمد».

گفتم: «یابن رسول الله، غیبت او به طول خواهد انجامید؟» فرمود:

بلی، به حق پروردگار من، آنقدر به طور می انجامد که اکثر آنها که قائل به امامت او باشند، از دین برگردند. و کسی به دین حق باقی نماند، مگر آن کس که حق تعالی عهد و ولایت ما را در روز میثاق از او گرفته باشد،<sup>(۱)</sup> و در دل او به قلم صنع، ایمان را نوشته باشد، و او را از جانب خود مؤید به روح ایمان گردانیده باشد.

ای احمد! این مطلب، از امور شگفت خدا است، و رازی است از رازهای پنهان او، و غیبی است از غیب های او. پس آنچه به تو عطا کردم، بگیر و پنهان دار، و در زمره شکرکنندگان باش، تا روز قیامت در علین، همراه ما باشی. [۲۴]

همچنین از «یعقوب بن منفوس»<sup>(۲)</sup> روایت کرده است که گفت:

روزی به خدمت حضرت عسکری علیه السلام رفتم. بر روی تختگاهی نشسته بودند. و از جانب راست آن، حجره ای بود که پرده ای

۱. در عالم ذر و میثاق، که عالم قبل از خلقت مادی ما است، خداوند، به همه انسان ها، معرفت خدایی خویش، و نبوت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ولایت چهارده معصوم علیهم السلام را عطا فرمود. آنگاه از همه آنان، پیمان اطاعت و تبعیت طلبید. برخی این پیمان را پذیرفتند. و گروه زیادی، آگاهانه سرباز زدند و قبول آن نکردند.

۲. یعقوب بن منفوس (منقوش) از بزرگان اصحاب حضرت هادی و امام حسن عسکری علیه السلام است، که حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه را در کودکی زیارت کرده است. این امر، عظمت مقامش را می رساند.



بر درگاه آن آویخته بود. گفتم: ای سید من، صاحب امرامامت، بعد از شما کیست؟ فرمود: پرده را کنار بزن. چون چنین کردم، کودکی بیرون آمد که قامتش پنج وجب بود، و تقریباً می‌بایست هشت ساله باشد، یا ده ساله، با پیشانی گشاده، روی سفید، دیده‌های درخشان، دست‌های قوی، و بر گونه راست صورتش خالی بود، و کاکلی بر سر داشت. آمد و بران پدر بزرگوار خود نشست.

حضرت فرمود: «این است امام شما». آن کودک برخاست. حضرت فرمود: «من همچنان به او نظر می‌کردم. تا داخل حجره شد. حضرت فرمود: این یعقوب، نظر کن، کی در این حجره است؟ من داخل شدم و جستجو کردم، هیچکس را در حجره ندیدم. [۲۵]

همچنین علامه مجلسی به سند صحیح، از محمد بن معاویه و محمد بن ایوب و محمد بن عثمان عمروی روایت کرده که همه گفتند:

حضرت عسکری (عجل الله تعالی فرجه)، پسر خود حضرت صاحب (عجل الله تعالی فرجه) را به ما نشان داد، در حالی که ما، در منزل آن حضرت بودیم و چهل نفر بودیم.

امام عسکری (عجل الله تعالی فرجه) به ما فرمود:

این است امام شما بعد از من، و جانشین من بر شما، اطاعت او کنید، و بعد از من پراکنده مشوید، که در دین خود هلاک خواهید شد. و بعد از این روز دیگر، او را نخواهید دید.

ما از خدمت آن حضرت بیرون آمدیم و بعد از اندک روزی، حضرت

عسکری (عجل الله تعالی فرجه) دنیا را وداع گفت. [۲۶]



علامه مجلسی در حقّ الیقین به نقل از شیخ صدوق و شیخ طوسی و دیگران، به سندهای صحیح از محمد بن ابراهیم بن مهزیار<sup>(۱)</sup> و بعضی راویان، از علی بن ابراهیم بن مهزیار روایت کرده‌اند که گفت: بیست حجّ کردم، به قصد آنکه شاید، به خدمت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه برسم، میسر نشد. شبی در رختخواب خود خوابیده بودم. صدایی شنیدم که کسی گفت:

ای فرزند مهزیار، امسال به حج بیا که به خدمت امام زمان خود خواهی رسید. من بیدار شدم، فرحناک و خوشحال. و پیوسته مشغول عبادت بودم، تا صبح طلوع کرد. نماز صبح گزاردم و برای طلب رفیق، بیرون آمدم. چند تن از دوستان را گرد آوردم و به راه افتادم. چون داخل کوفه شدم، تجسس بسیار کردم و خبری به من نرسید. باز متوجه مکه معظمه شدم، و بسیار جستجو کردم. و پیوسته میان امیدآوری و ناامیدی، در تردد و تفکر بودم. شبی از شبها در مسجد الحرام انتظار می کشیدم که دور کعبه خلوت شود، و مشغول طواف شوم و به تضرع و زاری، از بخشنده بی‌زوال درخواست کنم که مرا به کعبه مقصود خویش راهنمایی کند.

چون مسجد خلوت شد، مشغول طواف شدم. ناگاه جوانی با ملاحظت و خوشرویی و خوش بوی را در طواف دیدم، که دو بُردِ یمنی پوشیده بود، یکی بر کمر بسته و دیگری را بر دوش افکنده، و طرف ردا بر دوش دیگر بگردانیده بود. نزدیک او رسیدم. به جانب من التفات نمود و فرمود: «از کدام شهری؟»



۱. محمد بن ابراهیم بن مهزیار، از اصحاب امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه و از وکلای حضرت صاحب الامر و حنا فداه بود و از ثقات راویان حدیث محسوب می‌شود.

گفتم: از اهواز.

فرمود: ابن‌الخصیب را می‌شناسی؟

گفتم: او به رحمت الهی واصل شد.

گفت: خدا او را رحمت کند، روزها روزه می‌داشت و شبها به عبادت می‌ایستاد و تلاوت قرآن، بسیار می‌نمود و از شیعیان و موالیان ما بود.

گفت: علی بن مهزیار را می‌شناسی؟

گفتم: منم.

فرمود: خوش آمدی ای ابوالحسن.

گفت: با آن علامتی که میان تو و حضرت امام حسن عسکری (عجل الله تعالی فرجه) بود،

چه کردی؟

گفتم: آن را همراه دارم.

گفت: آن را به من بده. آن را بیرون آوردم. انگشتی نیکورا که بر آن «محمد» و «علی» نقل کرده بودند (و به روایت دیگر، «یا الله» و «یا محمد» و «یا علی» نقش آن بود).

چون نظرش بر آن افتاد، آنقدر گریست که جامه‌هایش تر شد. گفت: «خدا رحمت کند تورا، ای ابومحمد<sup>(۱)</sup> که تو امام عادل بودی، و فرزند امامان، و پدر امام بودی. حق تعالی تورا در فردوس اعلیٰ با پدرانانت ساکن گردانید».

سپس به من گفتم: بعد از حج چه درخواستی داری؟

۱. کنیه حضرت امام حسن عسکری (عجل الله تعالی فرجه).

گفتم: فرزند امام حسن عسکری علیه السلام را می طلبم.  
 گفت: به خواسته خود رسیده‌ای، و او مرا به سوی تو فرستاده است.  
 برو به منزل خود و مهیای سفر شو و این را مخفی دار. و چون ثلث شب  
 بگذرد، بیا به سوی «شعب بنی عامر»<sup>(۱)</sup> که به مطلب خود می رسی.  
 ابن مهزیار گفت: به خانه خود برگشتم. و در این اندیشه بودم تا ثلث  
 شب گذشت. سوار شدم و به سوی شعب رفتم. چون به شعب رسیدم،  
 آن جوان را در آنجا دیدم.  
 مرا دید و گفت: خوش آمدی. و خوشا حال تو که رخصت ملازمت به  
 تو دادند.

همراه او روانه شدم، تا از منی و عرفات<sup>(۲)</sup> گذشت. چون به پایین عقبه  
 طائف<sup>(۳)</sup> رسیدیم، گفت: ای ابوالحسن، پیاده شو و خود را برای نماز مهیا  
 کن. من و او نافله شب را به جا آوردیم. و صبح طالع شد. نماز صبح را  
 مختصر اداء کردم. او سلام نماز گفت. بعد از نماز به سجده رفت. رو به  
 خاک مالید. سوار شد و من سوار شدم، و تا بالای عقبه رفتیم.  
 گفت: نظر کن، چیزی می بینی؟ نظر کردم. دشت سبز و خرمی دیدم  
 که گیاه بسیار داشت.

گفت: نظر کن به بالای تل ریگ، چیزی می بینی؟ نظر کردم: خیمه‌ای  
 از مو دیدم که نور آن، تمام آسمان و آن وادی را روشن کرده بود، گفت:  
 منتهای آرزوها در اینجا است، دیده‌ات روشن باد.

۱. محلی در مکه.

۲. منی و عرفات، واقع در سه فرسخی و چهار فرسخی مکه است.

۳. محلی در ۱۲ فرسخی مکه.



چون از عقبہ بیرون رفتیم، گفت: از مرکب به زیر بیا کہ در اینجا ہر صعبی ذلیل می شود<sup>(۱)</sup>. چون از مرکب بہ زیر آمدیم، گفت: دست از مہار شتر بردار و آن را رها کن. گفتم: شتر را بہ چہ کسی بسپارم؟  
گفت: این حرمی است کہ داخل آن نمی شود، مگر ولیّ خدا. و بیرون نمی رود مگر ولیّ خدا<sup>(۲)</sup>.

در خدمت او رفتیم، تا بہ نزدیک خیمہ نورانی حضرت مہدی علیہ السلام رسیدیم. گفت: اینجا باش تا برای تو رخصت بگیرم. بعد از اندک زمانی بیرون آمد و گفت: خوشا حال تو، کہ رخصت دادند.

داخل خیمہ شدم، دیدم آن حضرت بر روی نمدی نشسته است و فرشی سرخ رنگ بر روی آن افکنده و بر بالشی از پوست تکیہ دادہ است. سلام کردم، بہتر از سلام من، جواب داد. صورتی دیدم مانند ماہ شب چہارہ، در کمال اعتدال، نہ بسیار بلند و نہ کوتاہ، بلند قد و رشید، گشادہ پیشانی با ابروہای کشیدہ و پیوستہ، و چشم‌های سیاہ و گشادہ، و بینی کشیدہ، و گونہ‌های رو، ہموار و برنیامدہ، در نہایت حسن و جمال. بر گونہ راستش خالی بود مانند دانہ کوچکی از مشک کہ بر صفحہ نقرہ افتادہ باشد، و موی زیبای سیاہش بر سرش بود، نزدیک بہ نرمہ گوش آویختہ. از پیشانی نورانی اش نور ساطع بود، مانند ستارہ درخشان، با نہایت سکینہ و وقار و حیا و حُسن لقا.

امام عصر علیہ السلام، احوال یک یک شیعیان را از من پرسید. عرض کردم کہ ایشان در دولت بنی العباس، در نہایت مشقت و سختی و خواری

۱. یعنی در اینجا (در محضر عظمت امام عصر علیہ السلام) ہر قوی و قدرتمندی، خوار و پست می‌گردد.

۲. یعنی ترس، شتر را نمی‌دزدند. بہ این محلہ، غریبہ ای وارد نمی‌شود.

زندگانی می‌کنند. فرمود: روزی خواهد بود که شما مالک ایشان هستید و ایشان در دست شما ذیل و خوارند.

سپس فرمود:

پدرم از من عهده گرفته است که در محلی از زمین، ساکن نشوم، مگر در جایی که پنهان‌تر و دورترین جاها باشد، تا آنکه از مکائد گمراهان و سرکشان نادان برکنار باشم، تا هنگامی که حق تعالی رخصت فرماید تا ظاهر شوم.

(همچنین پدر بزرگوارم به من فرمود):

ای فرزند! حق تعالی اهل بلاد و طبقات مردم را خالی نمی‌گذارد، از حجت و امامی که پیروی او کنند و حجت حق تعالی به سبب او، بر خلق تمام باشد.

ای فرزند گرامی، تو همانی که خدایت برای نشر حق و برانداختن باطل و اعطای دین، و خاموش کردن آتش گمراهان آماده کرده است. پس ملازم جاهای پنهان زمین باش، و از بلاد ظالمین دور باش، و تو را از تنهایی وحشت نخواهد بود.

و بدان که دل‌های اهل طاعت و اخلاص، به سوی تو مایل خواهد بود، مانند مرغانی که به سوی آشیانه پرواز می‌کنند. و ایشان گروهی چندند که به ظاهر در دست مخالفان ذلیل‌اند، اما نزد حق تعالی گرامی و عزیزند، آنها اهل قناعت‌اند و چنگ در دامان متابعت اهل بیت زده‌اند، و از آثار ایشان استنباط دین می‌نمایند. و بر مبنای حجت، با دشمنان دین می‌ستیزند. خدا ایشان را مخصوص گردانیده است به صبر بر آرزوهایی که از مخالفان دین می‌کشند، تا آنکه در دلم قرار، به عزت ابدی فائز گردند.





ای فرزند! بر مصادر و موارد امور خود صبر کن، تا آنکه حق تعالی اسباب دولت تو را میسر گرداند و پرچم‌های زرد و سفید در میان حطیم و زمزم<sup>(۱)</sup> بر سر تو، به جولان درآید، و فوج فوج از اهل اخلاص و صفا به سوی تو بیایند و در اطراف با تو بیعت کنند. و ایشان جمعی باشند که طینت ایشان از آلودگی نفاق، و دل‌هایشان از پلیدی کینه، پاک است و سرشت ایشان برای قبول دین، نرم باشد و در رفع فتنه‌های گمراهان، تصلّب دارند.

در آن زمان، بوستان دین، آراسته گردد. و بامداد حقیقت بدمد، و حق تعالی به دست تو، ظلم و طغیان را از زمین براندازد. و شادمانی امن و امان در اطراف جهان ظاهر شود. و مرغان شرایع دین مبین به آشیان‌های خود برگردند. و باران‌های فتح و ظفر، بوستان‌های دین را سرسبز و شاداب گردانند.

سپس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به ابن مهزیار فرمود:

«باید آنچه در این مجلس گذشت، پنهان داری، و اظهار نکنی، مگر برای جمعی که از اهل صدق و وفا و امانت باشند».

ابن مهزیار گفت: چند روز در خدمت آن حضرت ماندم و مسائل مشکله را از آن جناب پرسیدم. آنگاه مرا مرخص فرمود که به نزد خانواده‌ام بازگردم.

در روز وداع، بیش از پنجاه هزار درهم با خود داشتم. به عنوان هدیه، آنها را خدمت آن حضرت بردم. و التماس بسیار کردم که قبول فرمایند. تبسم نمود و فرمود:



۱. حطیم و زمزم دو محل در مسجد الحرام است که نزدیک خانه می باشد.

از این مال برای بازگشت به سوی وطن خود کمک بگیر، که راه  
درازی در پیش داری.

و دعای بسیار در حق من نمود و من به سوی وطن بازگشتم. [۲۷]  
حکایات و اخبار در این باب بسیار است.



## منايع بخش اول

- ۱- اربعين خاتون آبادی، ص ۱۱۴، حديث ۱۷.  
قال رسول الله ﷺ: ... وَ الْمُهْدِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ضَحْضَاحٍ مِنْ نُورٍ قِيَامٌ يُصَلُّونَ وَ الْمُهْدِيَّ فِي وَسْطِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّي.
- الزام الناصب، ج ۱، غصن ۳، فرع ۴، ص ۱۸۶.  
عن النبي ﷺ: ... الْقَائِمُ فِي وَسْطِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّي.
- ۲- بحار الانوار، ج ۵۱، باب ۱، ص ۲۷.
- ۳- غيبت شيخ طوسي، ص ۲۸۰؛ غيبت نعماني، باب ۱۳، حديث ۳۱، ص ۲۳۹.
- قال أبو جعفر عليه السلام: لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ بَيْتٌ يُقَالُ لَهُ بَيْتُ الْحَمْدِ فِيهِ سِرَاجٌ يَزْهَرُ مُنْذُ يَوْمٍ وُلِدَ إِلَى أَنْ يَقُومَ بِالسَّيْفِ.
- ۴- منتخب الاثر، چاپ سه جلدی جدید، حديث ۸۰۶ و ۸۱۰.
- ۵- بحار الانوار، ج ۵۱، باب ۱، حديث ۱۴، ص ۱۳-۱۴.  
قَالَتْ حَكِيمَةٌ: فَقُلْتُ: وَمَا هَذَا الطَّيْرُ قَالَ (ابو محمد العسكري عليه السلام): هَذَا رُوحُ الْقُدُسِ الْمُوَكَّلُ بِالْأُمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُوفِّقُهُمْ وَيَسِدُّ دُهُمَ وَيُرَبِّبُهُمْ بِالْعِلْمِ.
- ۶- بحار الانوار، ج ۵۲، باب اول، حديث ششم، ص ۱۲.



حضرت صاحب الامر عليه السلام به علی بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی می فرمایند:

يَا ابْنَ الْمَازِيَارِ أَبِي أَبُو مُحَمَّدٍ عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أُجَاوِرَ قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لَهُمُ الْحِزْبِيُّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَهُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ.

۷- منتخب الاثر، فصل ۲، باب ۱۰، حدیث ۶، ص ۲۰۶.

أَنَّهُ مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَ يَقَعُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِّطَاغِيَةِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمُ الَّذِي يُصَلِّي خَلْفَهُ رُوحُ اللَّهِ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ.

۸- رجوع شود به: عوالم العلوم، مجلد نصوص، ص ۳۵- ۸۹، ابواب نصوص الله تعالى على الائمة عليهم السلام.

۹- بحار الانوار، ج ۵۱، حدیث ۶۳، ص ۶۲- ۶۳.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ قَالَ يُرِيهِمْ فِي أَنفُسِهِمُ الْمَسْحَ وَ يُرِيهِمْ فِي الْأَفَاقِ انْتِقَاصَ الْأَفَاقِ عَلَيْهِمْ فَيَرَوْنَ قُدْرَةَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي أَنفُسِهِمْ وَ فِي الْأَفَاقِ قُلْتُ لَهُ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ قَالَ خُرُوجُ الْقَائِمِ هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَرَاهُ الْخَلْقُ لَا بُدَّ مِنْهُ.

۱۰- رجوع شود به: بحار الانوار، ج ۵۲، باب ۲۵؛ الزام الناصب، جلد ۲، غصن ۷ و منابع دیگر.

۱۱- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۲۷.

يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ وَ اسْمِ أَبِيهِ.

نیز بنگرید: ینابیع الموده، جزء ۳، باب ۲۱، ص ۸۵.

۱۲- غیبت نعمانی، باب ۱۴، حدیث ۱۳، ص ۲۵۴.



يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ ﷺ فَيَسْمَعُ مَنْ بِالشَّرْقِ وَ مَنْ  
بِالمَغْرِبِ لَا يَبْقَى رَاقِدٌ إِلَّا اسْتَيْقَظَ وَلَا قَائِمٌ إِلَّا قَعَدَ وَلَا قَاعِدٌ إِلَّا قَامَ عَلَى  
رِجْلَيْهِ فَرَعَا مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ.

۱۳- منتخب الاثر، فصل ۶، باب ۴، حديث ۱۲، ص ۴۴۹.

الصَّيْحَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لِأَنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ وَ الصَّيْحَةُ  
فِيهِ هِيَ صَيْحَةُ جَبْرِئِيلَ ﷺ إِلَى هَذَا الخَلْقِ.

۱۴- ارشاد شيخ مفيد، ج ۲، باب ۴۰، فصل ۵، حديث ۸، ص ۳۵۹ -

۳۶۰.

قَالَ يَا مُرُّ اللَّهِ تَعَالَى الْفَلَكَ بِاللُّبُوثِ وَ قِلَّةِ الحُرْكََةِ فَتَطْوُلُ الْأَيَّامُ لِذَلِكَ  
وَ السِّنُونَ قَالَ قُلْتُ لَهُ إِيَّاهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْفَلَكَ إِنَّ تَعَبَّرَ فَسَدَ قَالَ ذَلِكَ قَوْلُ  
الرَّبَادِقَةِ فَأَمَّا الْمُسْلِمُونَ فَلَا سَبِيلَ لَهُمْ إِلَى ذَلِكَ وَ قَدْ سَقَى اللَّهُ الْقَمَرِ لَيْبِيَةَ ﷺ  
وَ رَدَّ الشَّمْسُ مِنْ قَبْلِهِ لِيُوشَعَ بْنِ نُونٍ وَ أَخْبَرَ بِطُولِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ أَنَّهُ كَأَنَّ  
سَنَةً مِمَّا تَعُدُّونَ.

۱۵- ارشاد شيخ مفيد، ج ۲، باب ۴۰، فصل ۵، حديث ۹، ص ۳۶۰.

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ ضَرَبَ فَسَاطِيطَ مَنْ يَعْلَمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَى مَا  
أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ فَأَصْعَبُ مَا يَكُونُ عَلَى مَنْ حَفِظَهُ الْيَوْمَ لِأَنَّهُ يُخَالِفُ فِيهِ  
التَّأْلِيفَ.

۱۶- منتخب الاثر، فصل ۶، باب ۴، حديث ۴، ص ۴۴۸.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَخْرُجُ الْمُهْدِيُّ وَ عَلَى رَأْسِهِ عِمَامَةٌ فِيهَا مُنَادٍ يُنَادِي هَذَا  
الْمُهْدِيُّ خَلِيفَةُ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ.

۱۷- اربعين خاتون آبادی، ص ۱۲۱ به بعد، ذیل حديث ۱۸. بحار الانوار،



ج ۵۳، باب ۲۸، ص ۱۰-۱۱.

مفصل به عمر از امام جعفر صادق عليه السلام سؤال می‌کند: آیا ملائکه و جن با او (قائم) خواهند بود؟ امام می‌فرماید: إِي وَاللَّهِ يَا مُفَصَّلُ وَ لَيُنزِلَنَّ أَرْضَ الْهَجْرَةِ مَا بَيْنَ الْكُوفَةِ وَ النَّجَفِ وَ عَدَدُ أَصْحَابِهِ عليه السلام حِينَئِذٍ سِتَّةٌ وَ أَرْبَعُونَ أَلْفًا مِنْ الْمَلَائِكَةِ وَ سِتَّةٌ أَلْفٍ مِنَ الْجِنِّ.

۱۸- کمال الدین، ج ۲، باب ۵۷، حدیث ۱۲، ص ۶۵۲.

عَنْ أَبِي الصَّلْتِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا عليه السلام مَا عَلَامَاتُ الْقَائِمِ مِنْكُمْ إِذَا خَرَجَ قَالَ عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السِّنِّ شَابَ الْمُنْظَرِ حَتَّىٰ إِنَّ النَّاطِرَ إِلَيْهِ لَيَحْسَبُهُ ابْنَ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْ دُونَهَا وَ إِنَّ مِنْ عَلَامَاتِهِ أَنْ لَا يَهْرَمَ بِمُرُورِ الْأَيَّامِ وَ اللَّيَالِي حَتَّىٰ يَأْتِيَهُ أَجَلُهُ.

۱۹- بحار الانوار، ج ۱۱، باب ۵، حدیث ۱۷، ص ۱۷.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَتْ الْوُحُوشُ وَ الطَّيْرُ وَ السَّبَاعُ وَ كُلُّ شَيْءٍ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مُخْتَلِطًا بَعْضُهُ بِبَعْضٍ فَلَمَّا قَتَلَ ابْنُ آدَمَ أَخَاهُ نَفَرَتْ وَ فَرَعَتْ فَذَهَبَ كُلُّ شَيْءٍ إِلَىٰ شَكْلِهِ.

۲۰- بحار الانوار، ج ۵۲، باب ۲۷، حدیث ۱۱، ص ۳۱۶.

وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا... اضْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبِهَائِمُ حَتَّىٰ تَمَثِّي الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ وَ الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَىٰ نَبَاتٍ وَ عَلَىٰ رَأْسِهَا زَنْبِيلُهَا لَا يَهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَ لَا تَخَافُهُ.

۲۱- ارشاد، ج ۲، باب ۴۰، فصل ۵، حدیث ۱۰، ص ۳۶۱.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: يَخْرُجُ إِلَى الْقَائِمِ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعَةٌ وَ عَشْرُونَ رَجُلًا خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى الَّذِينَ كَانُوا يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ وَ سَبْعَةٌ



مِنْ أَصْحَابِ الْكَهْفِ وَيُشْعُ بِنُ نُونٍ وَ سَلْمَانَ وَ أَبُو دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيَّ وَ الْمُقْدَادُ  
بْنُ الْأَسْوَدِ وَ مَالِكُ الْأَشْتَرِ فَيَكُونُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْصَارًا وَ حُكَّامًا.

٢٢- بحار الانوار، ج ١٠٢، ص ١١٠.

٢٣- ارشاد، ج ٢، باب ٤٠، فصل ٣، حديث ٤، ص ٣٥٦.

وَ رَوَى الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: ... تُظْهِرُ الْأَرْضُ  
مِنْ كُنُوزِهَا حَتَّى يَرَاهَا النَّاسُ عَلَى وَجْهِهَا ...

٢٤- منتخب الاثر، فصل ٢، باب ١، حديث ١٣، ص ١٤٦.

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: لَا تَدْخِرُ الْأَرْضُ مِنْ بَدْرِهَا شَيْئًا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ وَ لَا السَّمَاءُ مِنْ  
قَطْرِهَا شَيْئًا إِلَّا صَبَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا... تَتَمَّتْ الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتِ مِمَّا  
صَنَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنَ الْخَيْرِ.

٢٥- كمال الدين، ج ٢، باب ٥٨، حديث ٣٠، ص ٦٧٥.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (الباقر) ﷺ قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا ﷺ وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ  
الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُوبَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ.

٢٦- بحار الانوار، ج ٥٢، باب ٢٧، حديث ٧٢، ص ٣٦؛ منتخب الاثر،

فصل ٧، باب ١٢، حديث ٢، ص ٤٨٣.

قَالَ الصَّادِقُ ﷺ: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لِسَبِيحَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ  
أَبْصَارِهِمْ، حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ، يُكَلِّمُهُمْ وَ يَسْمَعُونَ، وَ  
يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ».

٢٧- ارشاد شيخ مفيد، ج ٢، باب ٤٠، فصل ٣، حديث ٤، ص ٣٥٦.

قَالَ الصَّادِقُ ﷺ: ... وَ يُعَمَّرُ الرَّجُلُ فِي مُلْكِهِ حَتَّى يُوَلِّدَ لَهُ أَلْفَ ذَكَرٍ.

٢٨- بحار الانوار، ج ٥٢، باب ٢٧، حديث ١٣٨، ص ٣٦٤.



عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ الْعَاهَةَ وَرَدَّ إِلَيْهِ قُوَّتَهُ.

٢٩- منتخب الاثر، فصل ٨، باب ٢، حديث ١.

٣٠- ينابيع المودة، ص ٤٤٨؛ اربعين خاتون آبادي، ص ١٩٤، حديث ٤٠.  
 عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَاسْتَعْنَى الْعِبَادُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ.

٣١- غيبت نعماني، باب ١٩، حديث ٤، ص ٣٠٩.

عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَعَهُ رَأْيَةٌ رَسُولِ اللَّهِ.

٣٢- بحار الانوار، ج ٥٢، باب ٢٧، حديث ٢٠، ص ٣١٩، به نقل از

بصائر الدرجات.

عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ... يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! إِنَّ أَبِي لَيْسَ دِنَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَكَانَتْ تُسْحَبُ عَلَى الْأَرْضِ وَإِنِّي لَيْسْتُهَا فَكَانَتْ وَكَانَتْ وَإِذَا تَكُونُ مِنَ الْقَائِمِ كَمَا كَانَتْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُشَمَّرَةً.

٣٣- اثبات الهداة، ج ٧، باب ٣٢، فصل ١٥، حديث ٤٠٢، ص ٤٤، به

نقل از بصائر الدرجات.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ خَيْرَ ذَا الْقُرْبَيْنِ السَّحَابَيْنِ الذَّلُولَ وَالصَّعْبَ فَاخْتَارَ الذَّلُولَ وَهُوَ مَا لَيْسَ فِيهِ بَرْقٌ وَلَا رَعْدٌ وَلَا وَاخْتَارَ الصَّعْبَ لَمْ يَكُنْ لَهُ ذَلِكَ لِأَنَّ اللَّهَ أَدْخَرَهُ لِلْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

٣٤- تفسير عياشي، ج ١، ص ١٨٣، حديث ٨١.

عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ وَكَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا قَالَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا





شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ .

تفسير عياشى، ج ١، ص ١٨٣، حديث ٨٢ .

عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ قَوْلِهِ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً قَالَ أَنْزَلْتُ فِي الْقَائِمِ عليه السلام إِذَا خَرَجَ بِالْمُحَمَّدِ وَ النَّصَارَى وَ الصَّابِيِّينَ وَ الزَّنَادِقَةَ وَ أَهْلَ الرِّدَّةِ وَ الْكُفَّارِ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا فَعَرَضَ عَلَيْهِمُ الْإِسْلَامَ فَمَنْ أَسْلَمَ طَوْعاً أَمَرَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ مَا يُؤْمَرُ بِهِ الْمُسْلِمِ وَ يَجِبُ لِلَّهِ عَلَيْهِ وَ مَنْ لَمْ يُسْلِمِ ضَرَبَ عُنُقَهُ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْمَشَارِقِ وَ الْمَغَارِبِ أَحَدٌ إِلَّا وَحَدَّ اللَّهُ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ الْخُلُقَ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ أَمْرًا قَلَّ الْكَثِيرُ وَ كَثُرَ الْقَلِيلُ .

كمال الدين، ج ١، باب ٢٤، حديث ٢٧، ص ٢٨٠ .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: ... وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ .

٣٥- منتخب الاثر، فصل ٢، باب ٢٥، حديث ٨، ص ٢٤٩ .

عَنِ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ وَ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الْمُهَدِيُّ مِنْ وُلْدِي تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ. إِذَا ظَهَرَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا .

٣٦- ارشاد، ج ٢، باب ٤٠، فصل ٥، حديث ١١، ص ٣٦١ .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ .

بحار الانوار، ج ٥٢، باب ٢٧، حديث ٢٤، ص ٣٢٠ .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ لَا يَسْأَلُ النَّاسَ بَيِّنَةً .

٣٧- خصال (مترجم)، باب ٣، حديث ٢٢٣، ص ١٨٧؛ بحار الانوار، ج ٥٢، باب ٢٧، حديث ٢، ص ٣٠٩.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ أَبِي الْحَسَنِ عليهما السلام: ... يِقْتُلُ الشَّيْخَ الرَّائِيَّ وَ يِقْتُلُ مَانِعَ الرِّكَاهِ وَ يُورِثُ الْأَخَّ أَخَاهُ فِي الْأُظْلَةِ.

٣٨- بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٨١، نقل از اعلام الوری:  
 وَ إِنَّهُ يِقْتُلُ مَنْ بَلَغَ الْعِشْرِينَ وَ لَمْ يَتَفَقَّهْ فِي الدِّينِ.

٣٩- بحار الانوار، ج ٥٢، باب ٢٧، حديث ٧٣، ص ٣٣٦.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عِشْرُونَ حَرْفًا، فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ، فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ، فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام أَخْرَجَ الْحُمْسَةَ وَ الْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ، وَ صَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبِثَّهَا سَبْعَةٌ وَ عِشْرِينَ حَرْفًا»

٤٠- اثبات الهداة، ج ٧، باب ٣٢، فصل ٢٧، حديث ٥١٨، ص ٥١٨، به نقل از غيبت نعمانی.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ نَزَلَتْ سُيُوفُ الْقِتَالِ عَلَى كُلِّ سَيْفٍ اسْمُ الرَّجُلِ وَ اسْمُ أَبِيهِ.

٤١- اثبات الهداة، ج ٦، باب ٣٢، فصل ٥، حديث ٢٤٨، ص ٤٥٠، به نقل از کمال الدین.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: كَأَنِّي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ عليه السلام وَ قَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَيْنَ الْحَافِقَيْنِ، فَلَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ هُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ حَتَّى سَبَاعِ الْأَرْضِ وَ سَبَاعِ الطَّيْرِ.

٤٢- الخرائج و الجرائح، ج ٢، ص ٦٩٠؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٢٥؛  
 کمال الدین، ج ٢، باب ٥٨، حديث ١٧، ص ٦٧٠.



قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عليه السلام مِنْ مَكَّةَ يُنَادِي مُنَادِيَهُ أَلَا لَا يَحْمِلَنَّ أَحَدٌ طَعَامًا وَلَا شَرَابًا وَحَمَلَ مَعَهُ حَجْرُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام وَهُوَ وَقُرْبَعِيرٍ فَلَا يَنْزِلُ مَنْزِلًا إِلَّا أَنْفَجَرَتْ مِنْهُ عَيْوُنٌ فَنَنْ كَانَ جَائِعًا شَبِيعَ وَمَنْ كَانَ ظَمْآنًا [ ظَمْآنًا ] رَوِيَتْ دَوَابُّهُمْ حَتَّى يَنْزِلُوا النَّجْفَ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ .

٤٣- كمال الدين، ج ١، باب ٢٤، حديث ٢٧، ص ٢٨٠.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: ... وَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ عليها السلام فَيُصَلِّي خَلْفَهُ .

٤٤- بحار الانوار، ج ٥١، باب ١، حديث ١١، ص ٦٩.

وَ أَعْطَيْتُكَ أَنْ أَخْرَجَ مِنْ صُلْبِهِ أَحَدَ عَشَرَ مَهْدِيًّا كُلُّهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنَ الْبِكْرِ الْبُتُولِ وَ آخِرُ رَجُلٍ مِنْهُمْ يُصَلِّي خَلْفَهُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ مِنْهُمْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا أُنْجِي بِهِ مِنَ الْهَلَكَةِ وَ أُهْدِي بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ أَبْرِي بِهِ مِنَ الْعَمَى وَ أَشْفِي بِهِ الْمَرِيضَ .

٤٥- تفسير على بن ابراهيم قمى، ج ١، ص ٢٠٤، ذيل آية ٦٥ سورة انعام.

٤٦- منتخب الاثر، فصل ٦، باب ٧، حديث ١، ص ٤٦١ به نقل از

صحيح ترمذى .

عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْجَرَّاحِ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ نَبِيًّا بَعْدَ نُوحٍ إِلَّا وَقَدْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ الدَّجَالَ .

٤٧- بحار الانوار، ج ٥١، باب ١٢٧، حديث ١٦، ص ٢١٥، نقل از فرحهُ

الغزوى:

... فَصَلَّ عَلَيَّ فَكَتَبْتُ سَبْعًا فَإِنَّهَا لَنْ تَحِلَّ لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِلَّا لِرَجُلٍ مِنْ وُلْدِي يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ يُتَيْمَّمُ اعْوَجَاجَ الْحَقِّ .

٤٨- متن كامل حديث، و متن تمام تسيحات، در بحار الانوار، ج ٩٤،

ص ۲۰۵- ۲۰۷، حدیث ۳، به نقل از دعوات راوندی آمده است.

۴۹- بحار الانوار، ج ۵۱، باب ۶، حدیث ۳، ص ۱۴۳.

عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

لِكُلِّ أَنْاسٍ دَوْلَةٌ يَرْفُقُ بِهَا وَ دَوْلَتُنَا فِي آخِرِ الدَّهْرِ تَطْهَرُ.



## منايع بخش دوم

١- جامع الاصول، ج ١١، ص ٤٧، كتاب ٩، باب ١:

قال رسول الله ﷺ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لِيُوشَكُنْ أَنْ يَنْزَلَ فِيكُمْ ابْنُ مَرْيَمَ حَكَمَا مَقْسَطًا، فَيَكْسِرَ الصَّلِيبَ، وَيَقْتَلَ الْخَنزِيرَ، وَيَضَعَ الْجُزْيَةَ، وَيَفِيضَ الْمَالَ حَتَّى لَا يَقْبَلَهُ أَحَدٌ.

٢- جامع الاصول، ج ١١، ص ٤٧؛ المهدي الموعود المنتظر، ج ٢، باب ٢٩، حديث ٢٤، ص ٢٣٢.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ وَإِمَامُكُمْ مِنْكُمْ.

٣- كشف الغممة، ص ٤٧٩، باب ٩، البرهان في علامات مهدي آخر الزمان، ص ١٥٨.

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ فَيُنزَلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ص فَيَقُولُ أَمِيرُهُمْ تَعَالَى صَلِّ بِنَا فَيَقُولُ أَلَا إِنَّ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ أَمْرَاءَ تَكْرِمَةً مِنَ اللَّهِ هِدْيَةً الْأُمَّةِ.

٤- سنن ابى داود، ج ٤، كتاب المهدي، ح ٤٢٨٢، ص ١٠٦؛ سنن ترمذى، ج ٤، باب ٥٢، ما جاء فى المهدي، ح ٢٢٣١.



وَقَالَ ﷺ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى  
 يَبْعَثَ اللَّهُ فِيهِ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي يَمْلُؤُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا  
 مِلْتُمْ ظُلْمًا وَ جُورًا.

٥- سنن ترمذی، ج ٤، باب ٥٢، ح ٢٢٣٠؛ سنن ابی داود، ج ٤، كتاب  
 المهدي، ح ٤٢٨٢، ص ١٠٧.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي  
 يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي.

٦- المهدي الموعود المنتظر؛ ج ١، باب ٣، حديث ١٧، ص ٥٤؛ غيب  
 شيخ طوسي، ص ١١٢.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ الْيَوْمَ  
 حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِمِّي يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي.

٧- سنن ابی داود، ج ٤، كتاب المهدي، ح ٤٢٨٣، ص ١٠٧.  
 لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ  
 قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَ جُورًا.

٨- سنن ابی داود، ج ٤، كتاب المهدي، ح ٤٢٨٤، ص ١٠٧؛ غيب  
 شيخ طوسي، ص ١١٥؛ كشف الغمة، ج ٢، ص ٤٧٧؛ منتخب الاثر، فصل  
 ٢، باب ١، حديث ٦، ص ١٤٣.

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ الْمُهِدِيُّ مِنْ  
 عَشْرَتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ ﷺ.

٩- سنن ابی داود، ج ٤، كتاب المهدي، ح ٤٢٨٥، ص ١٠٧؛ كشف  
 الغمة، ج ٢، ص ٤٨١، باب ٨؛ منتخب الاثر، فصل ٢، باب ١، حديث ٧،



ص ١٤٣، به نقل از صحیح ابی داود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْمُهْدِيُّ مِنِّي أَجَلِي الْجَبَهَةِ أَفْنَى الْأَنْفِ يَمْتَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجُورًا وَيَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ.

١٠- سنن ترمذی، ج ٢، باب ٥٣، ح ٢٣٢٢؛ منتخب الاثر، فصل ٢، باب

١، حدیث ٣، ص ١٤٢، به نقل از صحیح ترمذی.

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِنَّ فِي أُمَّتِي الْمُهْدِيَّ يَخْرُجُ يَعْيشُ حَمْسًا أَوْ سَبْعًا أَوْ تِسْعًا زَيْدَ الشَّاكِّ قَالَ قُلْنَا وَمَا ذَاكَ قَالَ سِنِينَ قَالَ فَيَجِيءُ إِلَيْهِ الرَّجُلُ فَيَقُولُ يَا مُهْدِيَّ أَعْطِنِي قَالَ فَيُخْبِي لَهُ فِي تَوْبِهِ مَا اسْتَطَاعَ أَنْ يَحْمِلَهُ.

١١- بحار الانوار، ج ٥١، باب ما روى عن امير المؤمنين صلوات الله عليه،

حدیث ١٥، ص ١١٦؛ الغيبة نعمانی، باب ١٣، حدیث ٢، ص ٢١٤.

عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ قَالَ: قَالَ عَلِيُّؑ وَنَظَرَ إِلَى ابْنِهِ الْحُسَيْنِ وَقَالَ إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ كَمَا سَمَاءُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَسَيُخْرَجُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلٌ يُسَمَّى بِاسْمِ نَبِيِّكُمْ يُشَبِّهُهُ فِي الْخَلْقِ وَلَا يُشَبِّهُهُ فِي الْخُلُقِ يَمْتَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا.

١٢- بحار الانوار، ج ٥١، باب ٦، ص ٧٩، نقل از: اربعین ابونعیم، حدیث

٥.

١٣- المهدي الموعود المنتظر، ج ٢، باب ٢٩، حدیث ٤٤، ص ٢٤٥؛

كشف الغمّه، ج ٢، ص ٤٨١، باب ٩.

مِنَّا مُهْدِيُّ الْأُمَّةِ الَّذِي يُصَلِّي عَيْسَى خَلْفَهُ ثُمَّ ضَرَبَ عَلَى مَنْكِبِ الْحُسَيْنِ فَقَالَ مَنْ هَذَا مُهْدِيُّ الْأُمَّةِ.

١٤- كشف الغمّه، ج ٢، ص ٤٨٦ و ٤٨٧، باب ١٧ و ١٨؛ بحار الانوار، ج

٥١، ص ٨٠، ح ٩ و ١٢.

١٥- كشف الغممه، ج ٢، ص ٤٨٧، باب ١٩؛ بحار الانوار، ج ٥١، ص ٨٠،  
 ح ١٣.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِيَبْعَثَنَّ اللَّهُ مِنْ عِشْرَتِي رَجُلًا أَفْرَقَ الثَّنَائِيَا ...

١٦- كشف الغممه، ج ٢، ص ٤٨٦، باب ١٥؛ بحار الانوار، ج ٥١، ص ٨١،  
 ح ١٦.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَخْرُجُ الْمُهْدِيُّ وَعَلَى رَأْسِهِ عَمَامَةٌ فِيهَا مُنَادٍ يُنَادِي هَذَا  
 الْمُهْدِيُّ خَلِيفَةُ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ.

١٧- المهدي الموعود المنتظر، ج ٢، باب ٢٩، حديث ٢ و ٢٧، ص ٢١٤  
 و ٢٣٣؛ بحار الانوار، ج ٥١، ص ٨٤ و ٨٥، ح ٣٨ و ٣٩.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنَّا الَّذِي يُصَلِّي عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ.

١٨- رجوع شود: الامام المهدي عند اهل السنة، تدوين: مهدي فقيه  
 ايماني، ص ١٣٩ - ١٨٤.

١٩- رجوع شود: الامام المهدي عند اهل السنة، ص ٧٩ - ٨٤.

٢٠- رجوع شود: المهدي، سيد صدر الدين صدر، منتخب الاثر، لطف  
 الله صافي گلپايگانی. المهدي الموعود المنتظر، نجم الدين عسكري (دو  
 جلد)، معجم احاديث الامام المهدي ﷺ، مؤسسه معارف اسلامي قم  
 (دوره پنچ جلدی، به ویژه جلد اول تا سوم). ملحقات احقاق الحق، سيد  
 شهاب الدين مرعشي، ج ١٣.

٢١- سورة يس، آيه ٧٨.

وَصَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِي خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ.

٢٢- كشف الغممه، ج ٢، ص ٥٤٥.





وَقَدْ رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: كُلَّمَا كَانَ فِي الْأُمَّمِ السَّالِفَةِ يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مِثْلُهُ حَذْوِ التَّغْلِ بِالتَّغْلِ وَالْقُدَّةِ بِالْقُدَّةِ.

٢٣- حق اليقين، باب ٥، مقصد ٨، ص ٢٩٤-٢٩٨.

٢٤- كمال الدين، ج ٢، باب ٣٨، حديث ١، ص ٣٨٤.

٢٥- بحار الانوار، ج ٥٢، باب ١٨، حديث ١٧، ص ٢٥.

عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ مَنْفُوسٍ [مَنْقُوشٍ] قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ جَالِسٌ عَلَى دُكَّانٍ فِي الدَّارِ وَعَنْ يَمِينِهِ بَيْتٌ عَلَيْهِ سِتْرٌ مُسْبَلٌ فَقُلْتُ لَهُ سَيِّدِي مَنْ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ فَقَالَ ارْزُقِ السِّتْرَ فَرَفَعْتُهُ فَخَرَجَ إِلَيْنَا عَلَامٌ حُمَاسِيٌّ لَهُ عَشْرٌ أَوْ ثَمَانٌ أَوْ خَوْ ذَلِكَ وَاضِحُ الْجَبِينِ أَبْيَضُ الْوَجْهِ دُرِّيُّ الْمُقْلَتَيْنِ شَتْنُ الْكُفَّيْنِ مَعْطُوفُ الرُّكْبَتَيْنِ فِي خَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالَ وَفِي رَأْسِهِ دُوَابَّةٌ فَجَلَسَ عَلَيَّ فَخَذَ أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ هَذَا صَاحِبِكُمْ ثُمَّ وَتَبَ فَقَالَ لَهُ يَا بَنِيَّ ادْخُلْ إِلَى الْوَقْفِ الْمَعْلُومِ فَدَخَلَ الْبَيْتَ وَأَنَا أَنْظَرُ إِلَيْهِ ثُمَّ قَالَ لِي يَا يَعْقُوبُ انظُرْ مَنْ فِي الْبَيْتِ فَدَخَلْتُ فَمَا رَأَيْتُ أَحَدًا.

٢٦- كمال الدين، ج ٢، باب ٤٣، حديث ٢، ص ٤٣٥.

قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا إِمَامُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ فَاتَّبِعُوهُ وَأَطِيعُوهُ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فَتُهْلِكُوا فِي أَدْيَانِكُمْ أَمَا إِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَهُ بَعْدَ يَوْمِكُمْ هَذَا.

٢٧- غيبت شيخ طوسی، ص ١٥٩؛ كمال الدين، ج ٢، باب ٤٣، حديث

١٩.



وذكرها لأم محمد  
عجل الله تعالى فرجاتها  
وذكرها لأم محمد



یومِ حارِ رام موعود  
میرزا محمد علی

